

# نظریه های اقتصاد سیاسی

نویسنده:

شایان عرفانیان مهر ساز

زمستان ۱۳۹۳

## فهرست

### ❖ بخش اول

۳	چکیده .....
۴	مقدمه .....
۷	انقلاب اقتصادی (انقلاب صنعتی) .....
۹	دنیای شگفت انگیز آدام اسمیت .....
۱۱	دنیای تیره پارسون مالتوس و دیوید ریکاردو .....
۱۳	انقلاب اقتصادی و آدام اسمیت .....
۱۷	دنیای زیبای سوسیالیست آرمان گرا .....
۱۹	دنیای انعطاف ناپذیر کارل مارکس .....
۲۱	دنیای عصر ویکتوریایی و جهان اقتصاد زیرزمینی .....
۲۵	دنیای وحشی تورستین و بلن .....
۲۷	دنیای بیمار جان مینارد کینز .....
۳۰	فرای انقلاب صنعتی .....

### ❖ بخش دوم

۳۲	اقتصاد دانان – لئونارد سیلک .....
۳۳	پارل انتونی ساموئلسون .....
۳۵	سوسیالیزم بدون اشک .....
۳۷	میلتون فیریدمن .....
۳۸	واسیلی نئونتیف .....
۴۰	کینث ای بولدینگ .....
۴۲	نقد و نتیجه گیری .....
۴۳	منابع .....

## چکیده

این مقاله با هدف شناسایی اندیشه های اقتصاددانان و فیلسوفان سیاسی بر مبنای جمع بندی از منابع معتبر اقتصاد سیاسی تهیه شده است. اقتصاد سیاسی عبارتست از علم قوانین تولید و توزیع نعمات مادی در مراحل مختلف تکامل جامعه انسانی. به تدریج با رشد جامعه و مناسبات اجتماعی و اقتصادی اهمیت علم اقتصاد نیز بیشتر شد. یک روش مطالعه علمی در مورد پدیده های اجتماعی است.

عبارت اقتصاد سیاسی در عمر دراز خود معانی گوناگون بی شماری داشته است در نگاه آدام اسمیت، اقتصاد سیاسی، علم مدیریت منابع کشور برای تولید ثروت است. از دید مارکس، اقتصاد سیاسی به این معناست که مالکیت ابزارهای تولید چگونه بر فرآیندهای تاریخی اثر می گذارد. در بخش بزرگی از سده بیست، واژه اقتصاد سیاسی معانی متناقضی داشته است. گاه به آن در حکم یک حوزه مطالعاتی ( رابطه درونی اقتصاد و سیاست) نگریسته می شده و بعضی وقتها آن را به مثابه یک رویکرد روش شناسانه در نظر می آورده اند.

کلید واژه ها :

اقتصاد سیاسی، انقلاب سیاسی، انقلاب صنعتی ، نظریه اقتصادی

## مقدمه

این کتاب دربارهٔ انگشت شماری از انسان هائی است که شایستهٔ شهرتی بی مانند اند. کسانی که از دیدگاه قواعد کتب درسی تاریخ عملاً وجود خارجی نداشته اند. هیچ ارتشی را رهبری نکردند. هیچ سربازی را بسوی مرگ نفرستادند. هیچ امپراطوری را حکمرانی نکردند، و سهم زیادی در تصمیم گیریهای تاریخ ساز نداشتند. معدودی از آنها شهرت یافتند، ولی هیچ یک هرگز قهرمان ملی نبودند. انگشت شماری علناً مورد آزار قرار گرفتند، درحالیکه هیچ کدام ابداً شخصیت های معروف ردل نبودند. با این حال، تاثیر عملکرد آنان در پهنهٔ تاریخ سرنوشت ساز ترازنقش بسیاری از دولتمردانی بود که زیرنورافکن تاریخ بسیار درخشیدند .

آن ها چه کسانی بودند؟ ما آنها را امروز بعنوان اقتصاد دانان بزرگ می شناسیم. اما عجیب اینست که چه شناخت کمی از آن ها داریم. انسان فکرمی کند در دنیائی که زیر فشار مشکلات اقتصادی تکه و پاره شده، دنیائی که مدام نگران معضلات اقتصادی و تمام سخن ها دربارهٔ گرفتاریهای اقتصادی است، اقتصاد دانان بزرگ باید در حد فیلسوفان و دولتمردان بزرگ مشهور باشند. حال آنکه، آن ها فقط بعنوان آدمهای پشت پرده در گذشته تاریخ اند، و مسائلی که با احساسات زیاد به بحث می گذارند، گویا پیش پا افتاده و دوراز تصور از ذهن، می گذرد. آنطور که گفته شده، اقتصاد، بطور غیر قابل انکار مهم است، ولی مقوله ای سرد و دشوار است، و بهتر است به آلهائی که در پهنهٔ تفکر تجریدند واگذار شود.

هیچ گفتاری بیش از این از حقیقت دور نیست، کسی که فکر می کند اقتصاد فقط به پروفیسورها مربوط است فراموش می کند که همین علم انسان ها را به سنگرها فرستاده است. کسی که با نگاهی سطحی به کتاب درس اقتصاد نتیجه گیری کرده که اقتصاد مقوله ای خسته کننده است به کسی می ماند که با خواندن مقدمات لجستیک نتیجه بگیرد که بررسی روند جنگ ها نیز باید کسل کننده باشد.

این نه از شخصیت آنها، حرفه آنها، مواضع آنها، و نه حتی ایده های آنها بود که از آنان یک مجموعه واحدی می ساخت. مخرج مشترک آنها چیز دیگری بود: یک کنجکاوی مشترک. همهٔ آنها مجذوب دنیای اطراف خود بودند، مجذوب پیچیدگی ها و ظاهراً بی نظمی ها، مجذوب سنگدلی هائی که اغلب در پوشش روحانیت تبلور می یافت و موفقیت هائی که اکثراً ناآگاهانه بود. یکایک آنها محو رفتار هم نوعان خود بودند، ابتدا در خلق کردن ثروت جهان و سپس لگد گذاردن بر پای همسایه خود برای بدست آوردن سهمی از آن ثروت. اینست که می توان آنها را فیلسوفان دنیائی نامید، زیرا کوشش آنها دنیائی ترین بخش از فعالیت انسان ها- یعنی کوشش برای کسب ثروت - را در بر می گرفت. این، شاید تجملی ترین نوع فلسفه نباشد، ولی شگفت انگیز تر و مهمتر از آن یافت نمی شود. چه کسی می تواند فکر کند در یک خانوار فقیر و یک مخروبه که تماشایش نفس را در سینه حبس می کند فردی دنبال نظم و طرح بگردد، و یا در راه پیمائی گروهی اوباش در یک خیابان و یا در لبخند یک سبزی فروش به مشتری قوانین و اصول هماهنگی را جستجو کند؟ اما همین سرنوشت اقتصاددانان بود که در واقع می

توانست تاریخ های ظاهراً غیر مرتبط را در یک بافته یکپارچه به یکدیگر ببافد، به نحوی که از فاصله کافی یک میلیون حرف نشانگر سیر رشد منظومی را نشان دهد، و یک هیاهو را به یک آهنگ موزون تبدیل نماید.

www.markazdanesh.ir

# بخش اول

[www.markaz-e-mesh.ir](http://www.markaz-e-mesh.ir)

## انقلاب اقتصادی (انقلاب صنعتی)

### نکات کلیدی بخش انقلاب صنعتی

اقتصاد دانان تأثیری بیشتر از نقش بسیاری از دولتمردانی داشتند. عملکردی با تأثیرات تکان دهنده ای عمیقتر از پس و پیش راندن ارتش ها در مرزها، نقشی پر قدرت تر از احکام قانون گذاران و پادشاهان در تعریف خوبی و بدی. آنها مغزهای انسان ها را شکل داد و جهت بخشید و چون آنها که مغز انسان ها را بسیج می کنند از قدرت بسیار بیشتری نسبت به گرزوشمشیربر خوردارند، اینست که جهان را شکل دادند و جهت بخشیدند. آنها که در عمل کمتر انگشتی تکان دادند، بطور عمده، بعنوان تحصیلکرده ها- آرام و بی صدا و بدون توجه باینکه دنیای بیرون درباره آنها چه میگوید بکار خود ادامه دادند. اما، در مسیر حرکت خود امپراطوری های فرو پاشیده و قاره های در هم ریخته ای را پشت سر نهادند. اندیشه های اقتصاد دانان و فیلسوفان سیاسی، بقول لرد کینز، که خود اقتصاددان بزرگی بود، هم در زمانی که درست و هم در زمانی که غلط باشد، بسیار پر قدرت تر از آنست که معمولاً تصور میشود. در واقع دنیا بطور عمده بر پاشنه این اندیشه ها می گردد. انسان های عمل گرایی که فکر می کنند خود از تحت تأثیر قرار گرفتن اندیشه های روشن فکران در امان هستند، معمولاً برده برخی اقتصاددانان دوره گذشته اند. (هایلبرونر، ۱۳۹۰، ص. ۳)

### عوامل انقلاب صنعتی

۱. انباشت اطلاعات در عصر کشاورزی. بی سروصدا ترین علت انقلاب صنعتی را باید در تراکم تدریجی اطلاعات فنی طی عصر کشاورزی جستجو کرد شواهد گویای پیشرفت های فنی همه جا در کشاورزی - فلزکاریه چشم می خورد در نتیجه ی همین پیشرفت ها ذخیره ی اطلاعات و تجربیات فنی در قرن ۱۸ بسی پر بارتر از قرن ۱۳ و در قرن ۱۳ بسیار متراکم تر از قرن ۸ بود.
۲. پیشرفت در حمل و نقل آبی و تسخیر دنیای جدید پیش از ورود قطب نما به اروپا در اواخر قرن ۱۲ کشتیرانی دورتر از حد دید خشکی ها بسیار مخاطره آمیز بود و تنها در فاصله های کوتاه یا در مناطق شناخته شده مانند گذرگاه دریایی مانس یا دریای مدیترانه صورت می گرفت. آشنایی با قطب نما در طول چند قرن بعدی به یک رشته پیشرفت های فنی مهم در کشتیرانی انجامید که بعضی از مهمترین آنها عبارت بود از اختراع سکان عقب- ساختن کشتیهای بزرگ تر با دکل های چند گانه طی قرن ۱۵ دریانوردان اروپایی سفرهای مخاطره آمیزی را به قصد گشودن راههای جدید بازرگانی به سوی چین و هند و فایق آمدن بر سوداگران خاورمیانه آغاز کردند. فاتحان بی درنگ روانه کردن کشتیهای انباشته از طلا و نقره را به سوی اروپا آغاز کردند این امر پیامدهای چند به بار آورد که یکی از آنها رشد شتابان اقتصاد پولی و انحطاط نظام قدیمی مبادله ی کالا به کالا بود. رواج پول در جوامع کشاورزی پیشرفته نقش بی نهایت موثری در شکستن سد و بند های راه نوآوری ایفا کرد. سرازیر شدن سیل طلا و نقره به اروپا تأثیر مهم دیگری نیز در برداشت، تورم این در حقیقت پیامد طبیعی عرضه ی فزاینده پول در جوامعی بود که کالا به اندازه ی کافی تولید نمی کردند

۳. اختراع ماشین چاپ و پراکنده شدن اطلاعات ماشین چاپ یکی دیگر از نوآوری های فنی بود که در گسترش زنجیرهای سنتی جوامع کشاورز اروپای غربی نقشی بزرگ ایفا کرد. صنعت چاپ گسترش اطلاعات فنی و آرا و افکار گوناگون را سرعت بخشید و عملاً به صورت عامل موثری درآمد که مقاومتهای تاریخی را در برابر نوآوری و تحول در هم شکست. اختراع گوتنبرگ کمیت

نوشته های چاپی را به میزان خارق العاده در اروپای غربی افزایش داد. تاریخ شناسان امروز ماشین چاپ را یکی از عوامل اصلی جنبش مذهبی پروتستان ها میدانند. (دورانت)

۴. پیشرفت در کشاورزی در سراسر عصر کشاورزی عمده ترین مانع رشد و توسعه ی جوامع انسانی حالت عقب مانده تکنولوژی در کشت و کار بود. رشد داد و ستد - کاربرد روزافزون پول و بالاتر از همه پایه های نظام سنتی را پوک و لرزان می ساخت از یک سو شمار فزاینده ای از زمینداران بزرگ دریافتند که به موازات کاهش یافتن هزینه های حمل و نقل در اثر پیشرفتهای کشتیرانی بازار بسیاری از فراورده های کشاورزی به سرعت گسترش می یابد. از سوی دیگر عوارض تورم سودهای حاصل از کشتزارهایشان را که بیشتر از اجاره ها و دیگر تعهدات مالی منطبق بر قیمت های قدیم بدست می آمد به سرعت کاهش می داد و زمینداران پی بردند که اگر می خواهند سطح زندگی سنتی شان محفوظ بماند باید کار تازه ای انجام دهند. (دورانت)



## دنیای شگفت انگیز آدام اسمیت

دکتر اسمیت اگر نگوئیم فردی مشهور، اما شخصی کاملاً شناخته شده بود، علاوه بر دستاوردهای دانشگاهی، اسمیت بیشتر به عنوان یک شخصیت بسیار جالب معروف بود، مثلاً بطور عجیبی فراموشکار بود ولی این گرفتاریهای شخصی که بسیار زیاد هم بود، با توانائی های فکری او تداخل پیدا نمی کرد. دکتر اسمیت از زمره مهم ترین فیلسوفان عصر خود بود. نظریه دکتر اسمیت در زمانی مطرح گردید که در اواخر قرن هیجدهم در صحنه اجتماعی انگلستان، آنچه انسان می دید حرص، سنگدلی و خفت توأم با غیرمنطقی ترین و آشوبگرا نه ترین آداب و رسم بجا مانده از روزگاران پرهرج و مرج گذشته بود. در یک دنیای عجیب، بی رحم و در هم ریخته در نظر مردم قرن هیجدهم و نیز دیدگان مدرن، توسط مردی مؤدب با طرح فلسفه اخلاقی مطرح شده توسط دکتر اسمیت آشتی داده می شود. اسمیت در اولین کتاب خود با عنوان نظریه احساسات اخلاقی معتقد بود که پاسخ در توانائی انسان در قرار دادن خود در موقعیت شخص ثالث است کار بر رساله اقتصاد سیاسی منجر به کتاب ثروت ملل شد.

اسمیت در فکر نیازهای توده های وسیع کارگراست هدف او همسوئی با منافع هیچ طبقه ای نیست برای رشد ثروت تمام ملت مطرح است. از دید آدام اسمیت ثروت کلیه کالاهائی که تمام مردم یک جامعه مصرف می کنند را در بر میگیرد. اندیشه طلا و گنج ها و خزانه های شاهانه فراموش شده است، اکنون در دنیای مدرنی هستیم که گردش کالاها و خدمات که توسط همگان بمصرف می رسد هدف و منظور از حیات اقتصادی را تشکیل می دهد.

### **دو مسأله بزرگ توجه اسمیت را بخود جلب می کند:**

علاقه اش در عربان نمودن مکانیزمی که با آن پیوستگی جامعه ادامه می یابد که این مسئله اسمیت را بسوی فرموله کردن قوانین بازار رهنمون شد چیزی که از نظر او دست نامرئی نام گرفت. قوانین بازار اسمیت با بیانی ساده به ما می گویند که چگونه نیروی نفع شخصی فرد در محیطی که سایر افراد با انگیزه مشابه عمل می کند به رقابت می انجامد مضافاً اینکه نشان می دهد چگونه رقابت موجب فراهم شدن کالای مورد نیاز جامعه با کمیتی که جامعه می خواهد و با قیمتی که جامعه حاضر است بپردازد می شود.

اسمیت یکی از مشهورترین اقتصاددانان خوشبین کلاسیک است که از او به عنوان ”پدر علم اقتصاد“ نام برده می شود. اسمیت و دیگر اقتصاددانان کلاسیک (همچون ریکاردو و مالتوس)، ”زمین“، ”کار“ و ”سرمایه“ را عوامل تولید می دانستند. مفاهیم دست نامرئی ”تقسیم کار“، ”انباشت سرمایه“ و ”گسترش بازار“، اسکلت نظریه وی را در توسعه اقتصادی تشکیل می دهند. تعبیر ”دست های نامرئی“ آدام اسمیت را می توان، به طور ساده، نیروهائی دانست که عرضه و تقاضا را در بازار شکل می دهند، یعنی خواستها و مطلوب های مصرف کنندگان کالاها و خدمات (از یک طرف) و تعقیب منافع خصوصی توسط تولیدکنندگان آنان (از طرف دیگر)، که در مجموع سطوح تولید و قیمت ها را به سمت تعادل سوق می دهند. او معتقد بود ”سیستم مبتنی بر بازار سرمایه داری رقابتی“ منافع همه طرف ها را تامین می کند.

اسمیت سرمایه‌داری را یک نظام بهره‌ور با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان می‌دید. بخصوص او روی اهمیت تقسیم کار (تخصصی‌شدن مشاغل) و قانون انباشت سرمایه به عنوان عوامل اولیه کمک‌کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه‌داری (و یا به تعبیر او "ثروت ملل") تاکید می‌کرد. او اعتقاد داشت "تقسیم کار" باعث افزایش مهارت‌ها و بهره‌وری افراد می‌شود و باعث می‌شود تا افراد (در مجموع) بیشتر بتوانند تولید کنند و سپس آنان را مبادله کنند. باید بازارها توسعه یابند تا افراد بتوانند مازاد تولید خود را بفروشند (که این نیازمند توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل است).

آدام اسمیت اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در کشاورزی، صنعت و تجارت می‌دانست، چون او معتقد بود به دلیل نیاز فزاینده‌ای که برای مواد غذایی وجود دارد کمبود آن (و تاثیرش بر دستمزدها) می‌تواند مانع توسعه شود. تئوری توسعه اقتصادی اسمیت، یک نظریه گذار از فئودالیسم به صنعتی‌شدن است. (دینی ترکمانی، ۱۳۹۱، ص. ۹۹)

کتاب ثروت ملل اسمیت که هنوز به عنوان مهمترین کتاب اقتصادی جهان محسوب می‌شود، تلاش جامعی در تحلیل کاربرد یک اقتصاد سرمایه‌داری آزاد است. در این کتاب، آدام اسمیت مرزهای اقتصاد را آنقدر گسترش می‌دهد، تا حوزه‌های دیگری مانند علوم سیاسی و حتی مردم‌شناسی را نیز پوشش دهد. در سرتاسر کتاب، سه اصل اساسی به وضوح مشهود است:

تقسیم کار: او تمام اقتصاد جهان را به مثابه یک کارخانه بزرگ تلقی می‌کند، که پایه آن تقسیم کار است.

آزادی بشر: وی معتقد است که سیاست‌های اقتصادی، نباید به علایق شخصی و یا یک طبقه خاص بستگی داشته باشد، بلکه باید منافع عموم جامعه را در نظر بگیرد.

تلاش برای منافع عمومی جامعه: گرچه اسمیت یک بدگمانی عمیقی درباره رفتار بازرگانان و قانون‌گذاران داشت و وظیفه دولت را تأمین آن دسته از خدمات اجتماعی می‌دانست که بخش خصوصی قادر یا مایل به انجام آن نیست.

اسمیت یک مدافع اقتصاد آزاد، تجارت آزاد و تحرک آزاد نیروی انسانی و کالاها و آزادی عملکرد بازار بود. (اسمیت، ۱۳۵۷)

## دنیای تیره پارسون مالتوس و دیوید ریکاردو

### رابرت مالتوس

در سال ۱۷۶۶ در خانواده‌ای ثروتمند در انگلیس تولد شد. پدر او نجیب‌زاده‌ای روستایی و تعلیم‌یافته بود که با فلاسفه زمان خود به‌خصوص دیوید هیوم و حتی ژان‌ژاک روسو نیز ارتباط داشت. پس از تحصیلات خود در کمبریج، چون کوچکترین فرزند بود، برحسب معمول زمان، به حوزه رهبانیت فرستاده و کشیش شد. وی در ۳۹ سالگی ازدواج کرد و دارای چهار فرزند گردید. در سال ۱۸۰۷ به استادی آموزشی که توسط کمپانی هند در شهر دهلی تأسیس شد، منصوب گردید و تا آخر عمر یعنی ۱۸۳۴، در آن‌جا باقی ماند. (شارن، ۱۳۷۰، ص. ۱۸۵)

در ۳۲ سالگی (۱۷۹۸) کتابی پرهیاهو، تحت عنوان "اصل تکثیر نفوس و تأثیر آن در ارتقاء جامعه" بدون ذکر نام خود، انتشار داد و مورد حمله شدید مخالفان قرار گرفت. چهار سال بعد، پس از تعمق بیشتر و ارائه دلایل گویاتر به تجدید چاپ آن پرداخت و با اصلاحات و حواشی، تقریباً تحت همان عنوان "تحقیق در اصل ازدیاد نفوذ و تأثیر آن بر سعادت بشر" منتشر کرد. حضور علمی و عملی دیدگاه‌های وی با انتشار "اصول اقتصاد سیاسی" در سال ۱۸۲۰ وارد مرحله تازه‌ای گردید. علاوه بر آن، مالتوس کتب دیگری درباره "محصول خالص"، "تعاریف علم اقتصاد"، "مطالعاتی درباره قوانین مربوط به غلات" و "ماهیت و افزایش بهره مالکانه" که معرف اطلاعات بسیط اقتصادی اوست انتشار داد. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۷۷)

### نظریات مالتوس

#### • نظریه جمعیت

طبق این نظریه، ریشه کلیه مصیبت‌ها در عدم تناسب میان افزایش جمعیت و محدوده مواد غذایی است. قانون طبیعی رشد جمعیت، مشمول تصاعد هندسی است، در صورتی‌که قانون طبیعی افزایش مواد غذایی، تنها از تصاعد عددی پیروی می‌کند. بنابراین، علت فقر در تمایل مستمر مازاد جمعیت و کمبود منابع کافی برای تأمین نیاز است. این نظریه، آشکارا خلاف برداشتهای عمومی تعادل کلاسیک است. اگرچه مالتوس می‌کوشد طبیعت را در ایجاد تعادل، سهیم بداند و بلاهای طبیعی را مانند زلزله، سیل، بیماری‌های مسری و همچنین جنگ را ابزار محدودکننده و مکانیسم تعادلی معرفی کند، با این حال، عوامل مذکور را برای ایجاد تعادل کافی ندانسته، اقدامات لازم برای جلوگیری از رشد جمعیت را پیشنهاد می‌کند. (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۶۰)

مالتوس برای جلوگیری از رشد جمعیت، سه نوع راه‌حل ارائه می‌دهد:

۱. منع یا فشار اخلاقی (عقب انداختن ازدواج‌ها).

۲. کنترل جمعیت از طریق برنامه تنظیم خانواده

فقر و گرسنگی

وی دو راه حل اولی را "راه حل جلوگیری" و راه حل سومی را "راه حل مثبت" و مهمترین عامل متوقف‌کننده افزایش جمعیت می‌داند. او در جواب این سوال، که "آیا واقعا اگر مردم بیشتری به کار روی زمین بپردازند و غذای بیشتری تولید کنند، نمی‌توان از فقر و گرسنگی جلوگیری کرد، پاسخ منفی می‌دهد؛ زیرا او معتقد است که قانون بازده نزولی عامل بازدارنده این قضیه است. (تفضلی، ۱۳۷۲، ص. ۱۱۸-۱۲۰)

## • نظریه بحران

تئوری بحران مالتوس، تحت تأثیر تزلزل‌های اقتصادی که در اوایل قرن نوزدهم انگلستان به آن دچار شد، به وجود آمد. توزیع نابرابر درآمد به انباشت سرمایه انجامید؛ که پس‌انداز بیش از اندازه را به دنبال داشت و به نوبه خود موجب افزایش تولید کالا شد. از طرف دیگر توزیع نابرابر درآمد، مانع وجود تقاضای مؤثر برای کالاهای موجود گردید. کارفرمایانی که با درآمد بالا امکان مصرف داشتند، به خاطر اشباع نیازهای خود، میل به مصرف نداشتند و کارگران که نیاز و میل به مصرف داشتند، فاقد درآمدی بودند که بتوانند مصرف خود را با تولید بیشتر کالا تطبیق دهند. به این لحاظ، مالتوس تقویت مصرف را از این طریق پیشنهاد می‌کند؛ که طبقه‌ای از انسان‌ها، تمایل و همچنین امکان داشته باشند، تا معادل آن‌چه کالاهای مادی تولید می‌کنند، بیشتر مصرف کنند. (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۶۱)

## • سود

مالتوس برعکس ریکاردو، از بالا رفتن سود نگران بود. به نظر وی صاحبان زمین‌ها و کارگران، تقریباً همه درآمد خود را برای خرید کالاهای مصرفی، هزینه می‌کنند. بنابراین دستمزدها و رانت‌ها در قالب تقاضای مؤثر، خود را نشان می‌دهند. اما سود، کاملاً پس‌انداز می‌گردد. از این رو اگر قوانین مربوط به ممنوعیت واردات غلات باعث شوند سود کاهش پیدا کند و دستمزد و رانت بالا برود، از نظر او مورد استقبال خواهد بود. (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۲)

## دیوید ریکاردو

یکی از مشهورترین اقتصاددانان کلاسیک انگلستان بود که کتاب اقتصاد سیاسی او یکی از ماندگارترین کتب ادبیات کلاسیک اقتصاد است. نظریه مزیت نسبی (comparative advantage) او در تجارت بین‌الملل و نظریه رانت (rant) او در اقتصاد خرد مشهور بوده که همواره مورد نظر اقتصاددانان دیگر بوده است. از جمله اقتصاددانان مکتب کلاسیک و از پیشگامان علم اقتصاد است. ریکاردو دیدگاه‌های خود را در مورد توسعه اقتصادی به صورت غیریستماتیک و پراکنده در کتاب اصول اقتصاد سیاسی و مالیاتی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۸۱۷ به چاپ رسید. ریکاردو بعد از نامه‌نگاری‌های مختلف با اقتصاددانان دیگر در چاپ آخر کتاب (چاپ سوم) خود سعی کرد روند رشد اقتصادی را به صورت علمی‌تر و سیستماتیک‌تر تنظیم نماید.

## نظریات مالتوس، ریکاردو و دیگران

هر چند دیدگاه ریکاردو در مورد توسعه شبیه دیدگاه آدام اسمیت است اما تفاوت‌هایی نیز دارد. عامل کمیاب در نظریه اسمیت نیروی کار ولی در نظریه ریکاردو عامل کمیاب زمین است. از سوی دیگر تأکید اسمیت بر تولید بود ولی عمده تأکید ریکاردو بر توزیع

است. روش تجزیه و تحلیل ریکاردو در مورد رشد اقتصادی، استنتاجی است. تئوری وی بر اساس اصول نهایی و مازاد شکل گرفته است. اصل نهایی بودن نشان‌دهنده سهم اجاره در تولید ملی است و اصل مازاد به معنی تقسیم باقیمانده منابع بین کارگران به صورت دستمزد و سرمایه داران به صورت سود است. ریکاردو با پذیرش نظریه جمعیتی مالتوس، به توسعه مکتب کلاسیک بنیان‌گذاری شده توسط اسمیت پرداخت.

اسمیت بر «تولید» تأکید می‌کرد، اما ریکاردو بر مبحث «توزیع درآمد» متمرکز شد و بعداً نئوکلاسیک‌ها بر «کارایی» متمرکز شدند. مالتوس عقیده دارد که ریکاردو و نظرات وی بسیار انتزاعی و روند علی و معلولی برای بررسی علمی، مشکل‌آفرین است. وی در واقع با نوعی ترکیب قیاس و استقراء در نظریه‌پردازی موفق بود. ریکاردو قیمت را معلول هزینه تولید و مکانیسم عرضه و تقاضا را پرخفا می‌داند؛ در حالی که مالتوس، کارکرد عرضه و تقاضا را در تعیین قیمت مؤثر می‌داند.

در مقوله ارزش نیز، ریکاردو آن را در نوعی مقیاس انتزاعی، ولی مالتوس در قالب نسبتا عملیاتی مورد تأکید قرار داده‌اند. مالتوس در کنار اقتصاد، از اطلاعات وسیع فلسفی، اخلاقی و سایر معارف اجتماعی برخوردار بود؛ ولی ریکاردو از اندیشه و مطالعات فرا اقتصادی و به‌ویژه فلسفه، بهره‌مند نبود. دیدگاه مالتوس در رابطه با قانون سه - براساس این قانون که به "ژان باتیست سه" منتسب است، هرگاه اقتصاد در اشتغال کامل قرار گیرد و سرعت گردش پول نیز ثابت باشد، سطح قیمت‌ها بستگی به حجم پول خواهد داشت. اگر عرضه پول ثابت بماند، قیمت‌ها نیز ثابت است؛ ولی با افزایش و کاهش عرضه پول، قیمت‌ها افزایش و یا کاهش خواهند یافت. او این قانون را نمی‌پذیرد و مشکل اساسی رکود و کساد را در کمبود تقاضا می‌داند. (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۶)

## انقلاب اقتصادی و ادام اسمیت:

دکتر اسمیت اگر نگوئیم فردی مشهور، اما شخصی کاملاً شناخته شده بود، علاوه بر دستاوردهای دانشگاهی، اسمیت بیشتر به عنوان یک شخصیت بسیار جالب معروف بود، مثلاً بطور عجیبی فراموشکار بود ولی این گرفتاریهای شخصی که بسیار زیاد هم بود، با توانایی‌های فکری او تداخل پیدا نمی‌کرد. دکتر اسمیت از زمره مهم ترین فیلسوفان عصر خود بود.

نظریه دکتر اسمیت در زمانی مطرح گردید که در اواخر قرن هیجدهم در صحنه اجتماعی انگلستان، آنچه انسان می‌دید حرص، سنگدلی و خفت توأم با غیرمنطقی‌ترین و آشوبگرانه‌ترین آداب و رسم بجا مانده از روزگاران پرهرج و مرج گذشته بود. در یک دنیای عجیب، بی‌رحم و در هم ریخته در نظر مردم قرن هیجدهم و نیز دیدگان مدرن، توسط مردی مؤدب با طرح فلسفه اخلاقی مطرح شده توسط دکتر اسمیت آشتی داده می‌شود.

اسمیت در اولین کتاب خود با عنوان نظریه احساسات اخلاقی معتقد بود که پاسخ در توانایی انسان در قرار دادن خود در موقعیت شخص ثالث است کار بر رساله اقتصاد سیاسی منجر به کتاب ثروت ملل شد. اسمیت در فکر نیازهای توده‌های وسیع کارگران است هدف او همسوئی با منافع هیچ طبقه‌ای نیست برای رشد ثروت تمام ملت مطرح است. از دید آدام اسمیت ثروت کلیه کالاهائی که تمام مردم یک جامعه

مصرف می کنند را در بر میگیرد. اندیشه طلا و گنج ها و خزانه های شاهانه فراموش شده است، اکنون در دنیای مدرنی هستیم که گردش کالاها و خدمات که توسط همگان بمصرف می رسد هدف و منظور از حیات اقتصادی را تشکیل می دهد.

دو مسأله بزرگ توجه اسمیت را بخود جلب می کند:

علاقه اش در عریان نمودن مکانیزمی که با آن پیوستگی جامعه ادامه می یابد که این مسئله اسمیت را بسوی فرموله کردن قوانین بازار رهنمون شد چیزی که از نظر او دست نامرئی نام گرفت. قوانین بازار اسمیت با بیانی ساده به ما می گویند که چگونه نیروی نفع شخصی فرد در محیطی که سایر افراد با انگیزه مشابه عمل می کند به رقابت می انجامد مضافا اینکه نشان می دهد چگونه رقابت موجب فراهم شدن کالای مورد نیاز جامعه با کمیتی مه جامعه می خواهد و با قیمتی که جامعه حاضر است بپردازد می شود. (ربیع، ۱۳۹۰، ص. ۳۶-۶۰)

اسمیت یکی از مشهورترین اقتصاددانان خوشبین کلاسیک است که از او به عنوان "پدر علم اقتصاد" نام برده می شود. اسمیت و دیگر اقتصاددانان کلاسیک (همچون ریکاردو و مالتوس)، "زمین"، "کار" و "سرمایه" را عوامل تولید می دانستند. مفاهیم دست نامرئی "تقسیم کار"، "انباشت سرمایه" و "گسترش بازار"، اسکلت نظریه وی را در توسعه اقتصادی تشکیل می دهند. تعبیر "دست های نامرئی" آدام اسمیت را می توان، به طور ساده، نیروهایی دانست که عرضه و تقاضا را در بازار شکل می دهند، یعنی خواستها و مطلوب های مصرف کنندگان کالاها و خدمات (از یک طرف) و تعقیب منافع خصوصی توسط تولیدکنندگان آنان (از طرف دیگر)، که در مجموع سطوح تولید و قیمت ها را به سمت تعادل سوق می دهند. او معتقد بود "سیستم مبتنی بر بازار سرمایه داری رقابتی" منافع همه طرف ها را تامین می کند .

اسمیت سرمایه داری را یک نظام بهره ور با توانی بالقوه برای افزایش رفاه انسان می دید. بخصوص او روی اهمیت تقسیم کار (تخصصی شدن مشاغل) و قانون انباشت سرمایه به عنوان عوامل اولیه کمک کننده به پیشرفت اقتصادی سرمایه داری (و یا به تعبیر او "ثروت ملل") تاکید می کرد. او اعتقاد داشت "تقسیم کار" باعث افزایش مهارت ها و بهره وری افراد می شود و باعث می شود تا افراد (در مجموع) بیشتر بتوانند تولید کنند و سپس آنان را مبادله کنند. باید بازارها توسعه یابند تا افراد بتوانند مازاد تولید خود را بفروشند (که این نیازمند توسعه زیرساخت های حمل و نقل است) .

آدام اسمیت اولویت های سرمایه گذاری را در کشاورزی، صنعت و تجارت می دانست، چون او معتقد بود به دلیل نیاز فزاینده ای که برای مواد غذایی وجود دارد کمبود آن (و تاثیرش بر دستمزدها) می تواند مانع توسعه شود. تئوری توسعه اقتصادی اسمیت، یک نظریه گذار از فئودالیسم به صنعتی شدن است. (دینی ترکمانی، ۱۳۹۱)

کتاب ثروت ملل اسمیت که هنوز به عنوان مهمترین کتاب اقتصادی جهان محسوب می شود، تلاش جامعی در تحلیل کاربرد یک اقتصاد سرمایه داری آزاد است. در این کتاب ، آدام اسمیت مرزهای اقتصاد را آنقدر گسترش می دهد، تا حوزه های دیگری مانند علوم سیاسی و حتی مردم شناسی را نیز پوشش دهد.

در سرتاسر کتاب، سه اصل اساسی به وضوح مشهود است:

تقسیم کار: او تمام اقتصاد جهان را به مثابه یک کارخانه بزرگ تلقی می کند، که پایه آن تقسیم کار است.

آزادی بشر: وی معتقد است که سیاست های اقتصادی ، نباید به علایق شخصی و یا یک طبقه خاص بستگی داشته باشد، بلکه باید منافع عموم جامعه را در نظر بگیرد.

تلاش برای منافع عمومی جامعه: گر چه اسمیت یک بد گمانی عمیقی درباره رفتار بازرگانان و قانون گذاران داشت و وظیفه دولت را تأمین ان دسته از خدمات اجتماعی می دانست که بخش خصوصی قادر یا مایل به انجام آن نیست.

اسمیت یک مدافع اقتصاد آزاد، تجارت آزاد و تحرک آزاد نیروی انسانی و کالاها و آزادی عملکرد بازار بود. (اسمیت، ۱۳۵۷)

## آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰)

نظریه ارزش: با تمایز میان ارزش مصرفی و ارزش مبادله ای در واقع پیرو همان نظر ارسطوست. (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۵۹)

نظریه قیمت: محور نظریه های اسمیت را نظریه شگل گیری قیمت او تشکیل می دهد. او دو نوع قیمت را از هم تفکیک می کند. الف ( قیمت طبیعی کالا ب ) قیمت بازار. نظریه شخصی و دست نامرئی : مهم ترین عامل محرک فعالیتهای اقتصادی نفع شخصی است . (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۶۱)

## رابرت مالتوس (۱۷۶۶-۱۸۳۴)

نظریه ارزش: با تمایز میان ارزش مصرفی و ارزش مبادله ای در واقع پیرو همان نظر ارسطوست.

نظریه جمعیت: طبق این نظریه ریشه کلیه مصیبتهای در عدم تناسب میان افزایش جمعیت و محدوده مواد غذایی قرار دارد. نظریه بحران : تئوری بحران مالتوس تحت تاثیر تزادهای اقتصادی که در اوایل قرن نوزدهم انگلستان به آن دچار شد بوجود آمد توزیع نابرابر درآمد به انباشت سرمایه . (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۶۲)

## دیوید ریکاردو (۱۷۷۲-۱۸۲۳)

نظریه ارزش نسبی کار: ارزش کالا از نظر ریکاردو تنها بر اساس مقدار کاری که برای تولید آن صرف شده و در آن نهفته است تضمین می شود. نظریه قیمت: ریکاردو نظریه قیمت اسمیت را می پذیرد و خصوصا نوسان قیمتها را در مورد دستمزد به کار می گیرد. (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۶۹)

هر چند که مالتوس و ریکاردو تقریبا در تمام موارد نظر مخالف داشتند ، در مورد نظر مالتوس درباره جمعیت اختلاف نظر نداشتند. (ربیع، ۱۳۹۰، ص. ۸۳)

نظریه تعادل: ریکاردو معتقد است که اقتصاد همیشه به طور اصولی تمایل به تعادل دارد. (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۶۴)

شاید بتوان نقش آدام اسمیت را در قالب سطور زیر چنین کرد:

نخست ، حتی اگر ادعا شود که آدام اسمیت تنها نقش جمع آوری عقاید اقتصاددانان گذشته را داشته است ،خود، کار مهم و مستقلی است و سهم ویژه‌ای در تکامل اقتصاد سیاسی برای او به ثبت می رساند. زیرا ثروت ملل یک کتاب پایه ای در طراحی علم اقتصاد است که هر چند محتوای آن بر اساس اندیشه اقتصاددانان قبلی است اما با هنرمندی اسمیت تنظیم گردیده . (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶)

دوم: هنر مشخص اسمیت ، جمع کردن چند عنصر ویژه برای تحقق منافع اجتماعی است وی ،روحیه نفع طلبی شخص انسان ، به همراه پیش فرض نوع دوستی را ، از یک طرف با رقابت و از طرف دیگر با قوانین رسمی (حداقل دخالت‌های دولت ) پیوند داده است.

سوم: آدام اسمیت ضمن توجه به نقش ، همه عوامل تولید ، کار را منبع اصلی ثروت می داند که نسبت به عقاید سوداگرایان و طبیعی گرایان نوعی پیشرفت شمرده می شود.

چهارم: در دید آدام اسمیت تعارض بین منافع فردی و اجتماعی وجود ندارد هر چند در عمل ممکن است چنین تعارضی وجود داشته باشد. (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۶)



## دنیای زیبای سوسیالیست های آرمانگرا

اصطلاح سوسیالیسم به معنای جامعه گرایی و جامعه باوری است که از واژه فرانسوی سوسیال به معنای اجتماعی، گرفته شده است. ریشه لاتینی آن، واژه Socius به معنای شریک و همراه است. سوسیالیسم به معنای وسیع کلمه، طیف متنوعی از اندیشه‌ها و متفکران را در بر می‌گیرد که تنها ویژگی مشترک آنها اعتقاد به لزوم برابری بیشتر برای انسان‌ها و افزایش نقش کارگران در اداره جوامع است.

### رابرت اون

رابرت اون (۱۷۷۱ - ۱۸۵۸ م) مؤسس سوسیالیسم نوین در انگلیس شناخته می‌شود که برای اولین بار واژه سوسیالیسم را در این کشور به کار برد و در سال ۱۸۴۱ م رساله ای را تحت عنوان «سوسیالیسم چیست؟» منتشر ساخت و با انتشار این رساله، اصطلاح سوسیالیسم معروف و مشهور گردید.

موضوع محوری در تفکرات اون متشکل از تعلیم و تربیت است یعنی شخصیت انسان تابع محیطی است که تک تک افراد بر آن کنترل ندارند و افراد مسئول رفتار خود نیستند لذا نباید سرزنش شوند.

به منظور تربیت صحیح افراد جامعه باید کودکان را از ۲ یا ۳ سالگی در محیط مناسب تربیت کرد.

اصول طرح اصلاح وضع کارخانجات اون

۱ - کار کودکان کمتر از ده سال ممنوع گردد.

۲ - کار در شب برای افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع گردد

۳ - حداکثر ساعات کار افراد ۱۸-۴۰ حداکثر ده ساعت و نیم در روز تعیین گردد.

اون عقاید خود را تحت عنوان "قانون فقرا" به کمیته مجلس عوام تقدیم کرد.

از نظر اون:

- ❖ - علت نمایی نابسامانی: رقابت شدید بین نیروی کار انسانی و ماشین
- ❖ - تنها راه مقابله با رقابت : همکاری و تعاون
- ❖ - راه حل: تغییرات بنیادی و اساسی (رد اصلاحات)
- ❖ - نمونه پیشنهادی: دهکده‌های وحدت و همکاری متقابل (سالکی، ۱۳۴۴)

## سن سیمون

سن سیمون: افکار و عقیده سن سیمون مخلوط عجیبی از خیالبافی و حقیقت جویی است. سوسیالیسم آنها که اصلاً متوجه ی عامه ی مردم نیست و مخاطب آن طبقه ی روشنفکر جامعه است از معرفت زندگانی کارگری الهام نگرفته، بلکه ناشی از ملاحظه و ادراک درونی بسیار صحیح آنها نسبت به جریان های بزرگ اقتصادی عصر آنها است.

- معتقد به حفظ وضع موجود اما مانند محافظه کاران معتقد به بازگشت به قرون وسطی نبود.
- اثبات گرا بود یعنی برای بررسی پدیده های اجتماعی باید همان فنون علمی طبیعی را به کار برد.
- اصلاحات سوسیالیسم را می پذیرفت که به دنبال برنامه ریزی متمرکز اقتصادی بود. (شارل، تاریخ عقاید اقتصادی، ۱۳۸۰)

## چالز فوریه

چالز فوریه: اگر بخواهیم مودبانه نظر بدهیم، فردی خود محور بود: اگر بخواهیم دقیق بگوئیم، او احتمالاً تا حدودی دیوانه بود. دنیای او یک خیال پردازی بودنسخه وی خیلی دقیق بود. جامعه باید در مجتمع های به هم فشرده (Phalanx) سازماندهی شود - واژه فرانسوی آن Phalansteres است - که می تواند نوعی از ساختار هتل های بزرگ را شامل شود، و به دهکده های تعاونی رابرت اون بی شباهت نیست. (ربیع، ۱۳۹۰)

## جان استوارت میل

جان استوارت میل: مفهومی که استوارت برای اقتصاد قائل می باشد به مراتب وسیع تر از چیزیست که ریکاردو در نظر داشت. از این لحاظ می توان گفت که اندیشه های او به آدام اسمیت نزدیکتر است. استوارت میل به مانند اسمیت و ریکاردو قوانین اقتصادی را مثل قوانین طبیعی لایتنیغیر می داند و معتقد است که در همه جا صادق است.

برنامه ای که استوارت میل پیشنهاد می کند بر ۳ محور است: - لغو سیستم مزدبگیری - ضبط رانت ارضی - محدود کردن حقوق وراثت. او قوانین تولید، قوانین مربوط به پول را کاملاً قبول می کند ولی در مورد قوانین مربوط به تقسیم ثروت و رقابت را با اصول سوسیالیسم تلفیق می کند. (قدیری اصل، ۱۳۶۴)

## دنیای انعطاف ناپذیر کارل مارکس

اندیشه اقتصادی که در اواسط قرن هیجدهم در انگلستان ظهور کرد، اقتصاد سیاسی کلاسیک نامیده شده است. اندیشه کلاسیکها، عقلانی سازی فعالیت‌های اقتصادی بود. رقابت پدیده ای روبه رشد بود و اتکای بدان به عنوان تنظیم کننده بزرگ اقتصاد، دیدگاهی معقول بود. دولتها معروف به اتلاف و فساد مالی بودند و تحت چنین شرایطی، مداخله کمتر دولت، بهتر بود. نمایندگان اصلی این مکتب فکری در اقتصاد عبارتند از: آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، توماس رابرت مالتوس، ژان باتیست سی، ناسا سنیور و جان استوارت میل. هر چند تعدادی از مورخان اندیشه اقتصادی، کارل مارکس را به دلیل استفاده از برخی نظرات ریکاردو، یک اقتصاددان کلاسیکی به حساب آورده اند ولی اصول اقتصاد سیاسی کلاسیک، نمیتوان مارکس را یک اقتصاددان کلاسیک دانست. اقتصاد کلاسیک بر انباشت سرمایه، گسترش بازارها و تقسیم کار تأکید می نماید و شدیداً تمایل به ارائه توصیه های سیاست اقتصادی دارد و وقتی بازار با شکست مواجه می شد، مداخله در اقتصاد را توصیه می کردند (Pearce, 1986, PP. 63- 64).

### کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)

او در آلمان بدنیا آمد و کار خود را با تدریس فلسفه در بن آغاز کرد سپس با روزنامه نگاری به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. در لندن کتبی چون انتقاد بر علم اقتصاد و سرمایه که معروفترین و مهمترین اثر او می باشد منتشر شد و در مجامع مختلف اتحادیه کارگران و اتحادیه اشتراکیون شرکت کرد. او به سردبیری سازمان بین الملل کارگران که به بین الملل اول معروف است انتخاب شد. (جاسبی، ۱۳۶۴، ص. ۳۶)

اوهدف بررسی های خود را اثبات قانونمندی هایی می داند که بر جریان اقتصاد سرمایه داری و تحول آن به اقتصاد حاکم است. نظریات او شامل سه بخش می باشد ۱- فلسفی و اجتماعی ۲- اقتصادی ۳- تکامل و توسعه.

مهم ترین نظریات فلسفی و اجتماعی مارکس عبارتند از: ۱- روش دیالکتیک ۲- فلسفه مادی تاریخ

مهم ترین نظریات اقتصادی مارکس عبارتند از: ۱- نظریه ارزش کالا ۲- نظریه ارزش اضافی

نظریات تکامل و توسعه مارکس عبارتند از: ۱- نظریه انباشت سرمایه ۲- نظریه ادغام ۳- نظریه فقر ۴- نظریه بحران ۵- نظریه انهدام (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص. ۹۵-۹۹)

مارکس نظریه خود را به ۵ مرحله تاریخی زیر تقسیم می کند:

- مرحله اول: کمون اولیه جامعه سنتی کوچکی که در آن همه انسانها کار می کنند و از محصول به دست آمده به صورت اشتراکی استفاده می کنند. در این جامعه طبقه وجود ندارد.
- مرحله دوم: برده داری در این مرحله جامعه به دو طبقه برده و برده دار تقسیم می شود.

- مرحله سوم : فئودالیسم برده داران دیروز مالکین و فئودال های این مرحله تاریخی می شوند. بردگان دیروز رعیت و دهقان امروز می شوند. در این مرحله فئودال ها زمین ها را تصاحب کرده و بردگان را وادار به کشت و زرع می کنند.
- مرحله چهارم : سرمایه داری (کاپیتالیسم) فئودال ها در این مرحله صاحبان صنایع و کارخانه ها می شوند رعایا کارگر (پرولتر) می شوند، دو طبقه سرمایه دار و کارگر شکل می گیرد.
- مرحله پنجم: سوسیالیسم پس از پایان مرحله فئودالیسم حکومت کارگری تشکیل می شود این مرحله تاریخی سوسیالیسم نام دارد و دارای دو خصیصه است: ۱. بی طبقه شدن جامعه هنوز محقق نشده است ولی کارگران طبقه مسلط جامعه را تشکیل می دهند. ۲. شعار این مرحله این است. "هرکس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه کارش دریافت می کند." (موسوی جهرمی، ۱۳۹۱)

یکی از مشکلات نظریه رشد اقتصادی کلاسیک ها، عدم توجه لازم به پیشرفت فنی و علوم است. اغلب کلاسیک ها در بررسی های خود در زمینه روند رشد اقتصادی، عامل پیشرفت فنی را یا ثابت فرض می کردند و یا به عنوان عامل از پیش تعیین شده در نظر می گرفتند. هر چند در مباحث رشد اقتصادی ریکاردو، مالتوس و استوارت میل، از پیشرفت فنی به عنوان عاملی در جهت رشد اقتصادی یاد شده است، ولی در تحلیل آنها نقش تعیین کننده ای ندارد. دیدگاههای بدبینانه کلاسیکهای مانند ریکاردو و مالتوس در این زمینه که "نقطه پایانی رشد اقتصادی در جامعه سرمایه داری سکون اقتصادی است. (قره باغیان، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۴)

مارکس برخلاف اسمیت، مالتوس و ریکاردو، سرمایه داری را غیرقابل تغییر نمی دانست. او به سرمایه داری به عنوان یکی از شیوه های تولیدی که با کمون اولیه شروع شد، سپس وارد مرحله برده داری شد و پس از آن شیوه تولید فئودالیسم در جوامع حاکم گردید، می نگریست. او معتقد بود سرمایه داری مرحله چهارم از شیوه های تولیدی رایج در جهان است که نهایتاً فرومی پاشد. این فروپاشی بخاطر رکود نخواهد بود بلکه به دلایل اجتماعی خواهد بود و نهایتاً جهان به یک مرحله نهایی به نام کمونیسم خواهد رسید. عقیده او نقطه مقابل استوارت میل محسوب می شود چون او سرمایه داری را مرحله نهایی توسعه انسانی می دانست. مارکس قدرت تولیدی سیستم سرمایه داری را مورد ستایش قرار می دهد اما هزینه انسانی تولید چنین ثروتی را (بخصوص توزیع شدیداً یکجانبه آن را) مورد انتقاد قرار می داد. او بر این باور بود که ارزش افزوده تولید، فقط ناشی از کار طبقه کارگر (پرولتاریا) است درحالیکه سرمایه داران سهم غیرمتناسبی از درآمد را صرفاً به خاطر تملک ابزار تولید به خود اختصاص می دهند. مارکس هوشمندانه دریافت که توزیع درآمد در جوامع سرمایه داری بسیار غیرمنصفانه و غیرعادلانه است. (حقیقی، ۱۳۸۶)

اقتصاددانان سیاسی معتقد بودند کار سرچشمه همه ثروت هاست، مارکس هم سود سرمایه را حاصل استثمار کارگران به وسیله ارزش کار مطرح کرد، اقتصاددانان سیاسی بدی ها و معایب نظام سرمایه داری را گریزناپذیر می دانند. مارکس به جای درمان نابسامانی های ناشی روش اندیشی و انقلاب صنعتی فرانسه، به سرکوبی نظام سرمایه داری پرداخت و در پی انقلاب بود. (ثلاثی، ۱۳۸۴)

برای آدام اسمیت سرمایه دار پل متحرکی بود که دست کم تا جایی که چشم قادر به دیدن بود به بالا حرکت می کرد. از نظر ریکاردو آن آنقدر رو به بالا حرکت می کرد تا سرانجام سقوط کرده و اثر فشاری که بر زمین آورده مانند سود باد آورده ای برای مالکان خوش شانس آن بود. از نظر جان استوارت میل چشم انداز بسیار اطمینان بخش بود چرا که فهمیده بود جامعه می تواند در تولید سهمیه باشد صرفنظر از اینکه چه «قوانین اقتصادی» وضع شده باشد. ولی برای مارکس حتی امکان این ذخیره سازی غیر قابل دفاع بود. در مناظره به او گفته شد که کشور فقط دارای یک سازمان قانون گذاری سیاسی حاکم بر اقتصاد است و تفکر او این عمل را بدنه ای خنثی می داند، مانند یک نیروی سوم بی طرف که می خواهد در این تعارض ادعاها رابه تعامل برساند

مارکس فهمیده بود که مشکلات سیستم اقتصادی غیر قابل حل نیستند. اگر چه در زمان وی قانون یا چرخه سیاسی ضد تجاری و ضد انحصار گری ناآشنا بود. مانند فعالیت‌هایی که غیر قابل باور بودند: در آن هیچ چیز اجتناب ناپذیری نبود. حس فیزیکی در مورد دیدگاه مارکس، پیش بینی مارکسی از دهه‌ای پدیدار شد که مفهوم سرمایه داری در جایی که برای دولت وضع قوانین اجتماعی غیر ممکن است معرفی شد. درمان کردن نقاط ضعف سرمایه داری نیازمند این است که دولت نرخ بهره را بالاتر از سطحی که مانده بالا ببرد- و مانند نظریه مارکس از تاریخچه ماتریالیسم واضح است، که انسان می‌تواند خود را از قید اقتصاد خود بهره‌ای به سرعت نجات دهد. (ربیع، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۱-۱۴۵)

## دنیای عصر ویکتوریائی و جهان اقتصاد زیرزمینی

شکوفائی دوران ویکتوریائی با رشد نام آوران روشنگری همراه بود که افراد سیستم در حال کار کردن را با موشکافی دقیق بررسی می‌کردند ولی اساس نظام را زیر سؤال نمی‌بردند و تصویری ناراحت کننده از آینده غائی ارائه نمی‌دادند. در این آینده نگری های نوین، اشخاصی چون Alfred Marshall, Stanley Jevons, John Bates Clark, Leon Walras, Taussing, Menger یک هیأت علمی اقتصاد اندیشه های اقتصادی را در دست گرفتند دستاورد آنها اغلب بسیار مهم بود، ولی تعیین کننده نبود. شاید به این علت ه دیگر گرگ ها در دنیای نظریه اقتصاد وجود نداشتند. فقط گوسفندان رام، هر چند مجازی وجود داشت. (ربیع، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۹)

## اجورث

اجورث اولین کسی است که منحنی های بی تفاوتی را معرفی کرد. اجورث، برنولی و اسلاتسکی را می‌توان از اقتصاددانانی برشمرد؛ که در آمار ریاضی نیز متخصص بوده‌اند. اجورث را می‌توان یکی از پدران و بنیان‌گذاران اقتصاد ریاضی نامید. (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۴۰۲)

منحنی های بی تفاوتی؛ براساس بیان اجورث، منحنی های بی تفاوتی، ترکیبات مختلف دو کالا را نشان می‌دهند؛ که برای شخص، مطلوبیت (رضایت) یکسانی دارند. منحنی بی تفاوتی بالاتر، نشان‌دهنده میزان بیشتری از مطلوبیت و منحنی پایین‌تر نشان‌دهنده میزان کمتری از مطلوبیت است (سبحانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۳)

اقتصاد مبادله‌ای؛ انگیزه مبادله کالا توسط مصرف‌کنندگان را با استفاده از منحنی های بی تفاوتی می‌توان تشریح کرد. در دنیای دو فرد A و B و دو کالای X و Y تا زمانی که مربوط به فرد A متفاوت از مربوط به فرد B باشد؛ مبنایی برای مبادله متقابل سودآور بین آن دو وجود دارد. ، نرخ نهایی جانشینی کالای X برای کالای Y است؛ که بیان گر آن مقدار از Y است که یک مصرف‌کننده مایل است، به‌منظور به‌دست آوردن یک واحد از X را از دست بدهد؛ تا همچنان روی همان منحنی بی تفاوتی باقی بماند. هرچه فرد، روی منحنی بی تفاوتی به‌سمت پایین حرکت کند، کاهش می‌یابد و هر قدر میزان مبادله افزایش یابد، اندازه‌های برای دو فرد، به هم نزدیک می‌شود؛ تا اینکه باهم مساوی شوند. در این صورت، دیگر دلیلی برای ادامه مبادله متقابل سودآور وجود ندارد و مبادله به پایان می‌رسد. اگر منحنی بی تفاوتی مصرف‌کننده B بر روی محورهای مختصات ۱۸۰ درجه چرخانده شود، به‌صورتی که با محورهای مختصات منحنی های بی تفاوتی فرد A یک جعبه را تشکیل دهد، به‌راحتی می‌توان انگیزه مبادله فرد A و B تشریح کرد. جعبه‌ای که با این مشخصات ترتیب می‌یابد در اقتصاد به جعبه اجورث معروف گردیده است. (سبحانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۶)

## لئون والراس

آثار والراس را می‌توان به دو بخش اقتصاد نظری و کاربردی تقسیم نمود. در بخش اقتصاد نظری، وی سه کتاب مبانی علم اقتصاد محض، نظریه ریاضی ثروت اجتماعی و نظریه پول را نگاشته است. والراس دو کتاب بررسی‌هایی پیرامون اقتصاد اجتماعی و بررسی‌هایی پیرامون اقتصاد کاربردی را در مورد اقتصاد کاربردی نوشته است. (نهایندی، ۱۳۵۲، ص. ۲۱۸)

والراس بیشتر از دیگر اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک طرفدار کاربرد ریاضیات در اقتصاد بود. وی با نوشتن فرمول‌های ریاضی متعدد نظریه تعادل عمومی را طرح کرد. به نظر شومپتر «این روش بزرگ‌ترین کمک این دانشمند به اصول نظری اقتصاد بوده است و همین امتیاز موجب شده است که والراس به عنوان صاحب‌نظر اقتصادی تراز اول تلقی شود». والراس اول جامعه اقتصادی را در نظر می‌گیرد که افراد آن چیزی تولید نمی‌کنند و فقط صاحب مقداری از وسایل معاش هستند که آنها را به حسب ضرورت برای رفع نیازها و تحصیل ارضای بیشتر با یکدیگر مبادله می‌کنند. (تفضلی، ۱۳۷۲)

## Claude Frédéric Bastiat

Bastiat در دنیای اقتصاد نابغه بود، ولی زندگی خصوصی اش تراژیک بود. او در Bayonne متولد شده بود، در سنین کودکی یتیم شد و بدتر اینکه، به بیماری توبرکلوز ریه مبتلا گردید. در یک دانشگاه تحصیل کرد، سپس دنیای تجارت را آزمایش نمود، ولی تنفر او برای ریزه کاری های تجاری خوب کار نمی کرد. زمانی به کشاورزی پرداخت، ولی در آن نیز به اندازه تجارت ناموفق بود؛ درست مانند کار با حسن نظر Tolstoi's که هر چه بیشتر در اداره املاک خانواده دخالت کرد وضع بدتر می شد. آرزوی قهرمان شدن در سر می پروراند، ولی ماجراجویی های نظامی وی پیچ و خم های ناجوری در بر داشت: هنگامی که بوربون ها در سال ۱۸۳۰ از فرانسه بیرون رانده شدند، Bastiat ششصد نفر از جوانان را گردهم آورد و آنها را برای حمله و تسخیر قلعه یک طرفدار با هر هزینه ای هدایت کرد. بیچاره Bastiat - نگهبان قلعه پرچم را پائین کشید و بجای مقابله همه را به میهمانی بدخل دعوت کرد. (ربیع، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۹)

در سال ۱۸۴۸ Bastiat به نمایندگی مجلس ملی انتخاب شده بود. در آن زمان به نظر او خطر از افراط سوی دیگر بود - مردم بیش از اندازه به نقاط ضعف سیستم توجه دارند و کورکورانه سوسیالیزم را بجای آن انتخاب می کنند. او تالیف کتابی را با عنوان "هارمونی های اقتصاد" آغاز کرد که نشان دهد بی نظمی ظاهری دنیا صرفاً یک بی نظمی سطحی است؛ و در زیر آن، نقش فعالیت های هزاران عامل خود - محور بازار را به یک مرحله برتر جامعه هدایت می کند. اما در این مرحله سلامت او به طرز وحشتناکی بد شده بود. به سختی تنفس می کرد و رخسارش از درد بیماری رنگ پریده بود. وی به pisa رفت و در روزنامه ها خبر مرگ خود و آگهی های تسلیت را می خواند که با عباراتی چون مرگ تاسف بار "اقتصاددان بزرگ" و "مؤلف ارزشمند" همراه بود. وی به دوستی نوشت: "به شکر خدا هنوز نمرده ام. اطمینان می دهم چنانچه مطمئن بودم برای دوستانی که مرا دوست میدارند بجای تاسف زجرآور، یک خاطره ای آرام، مهرآمیز و تا حدودی حزن انگیز بجای می گذاشتم آخرین نفس های خود را بدون درک و تقریباً با خوشحالی می کشیدم." وی در به اتمام رساندن کتابش قبل از اینکه زندگی خودش پایان یابد سخت کوشید. ولی خیلی دیر شده بود. در سال ۱۸۵۰ فوت کرد. در حالیکه در آخرین لحظه چیزی را زمزمه می کرد که کشیش فکر کرد میگوید "حقیقت حقیقت ... وی شخصیت بسیار کوچکی در میان ستارگان اقتصاد بشمار می رود. او یک اقتصاددان متعصب و یا یک پرچم دار اصلاح طلب نبود، حتی سازنده یک سیستم عمده هم نبود. (ربیع، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۲)

## ویلیام استانلی جونز William Stanley Jevons

### نقش جونز در اقتصاد

ناهمخوانی نظریات اقتصاددانان مکتب کلاسیک با واقعیت‌ها و انتقادات شدید سوسیالیست‌ها و پیروان مکتب تاریخی به اصول مکتب کلاسیک، تجدید نظر در اصول مکتب کلاسیک را ضروری می‌نمود؛ جونز چهار سال بعد از انتشار کتاب "سرمایه" مارکس، اصول و نظریات اقتصاد کلاسیک یعنی دانش سرمایه‌داری را براساس مطلوبیت در کتاب "نظریه اقتصاد سیاسی" مورد تجدید نظر قرار داد (نمازی، ۱۳۷۴، ص. ۳۹).

استانلی جونز، منگر و والراس، با ارائه "مطلوبیت نهایی"، از پایه‌گذاران مکتب مارژینالیسم (نهایون) محسوب می‌شوند. اعضای این گروه، به نام "مکتب روان‌شناسی" و یا "مکتب اتریشی" نیز نامیده می‌شوند. (نمازی، ۱۳۸۷)

### نظرات جونز

۱. دخالت دولت؛ جونز از مداخله مصلحت‌اندیشانه دولت در اقتصاد (البته با مبانی مطلوبیت‌گرایانه)، دفاع می‌کرد.
۲. نقش لذت و آلم در اقتصاد؛ به‌طور کلی جونز همان مبنای مطلوبیت‌گرایی بن‌تام را به‌عنوان پایه بررسی علمی در اقتصاد قرار دارد.
۳. نقش کلیدی مطلوبیت در اقتصاد؛ ارزش، تماماً بستگی به مطلوبیت دارد و علم اقتصاد باید بر مبنای مطلوبیت ریخته شود.
۴. نقش نیروی کار؛ نیروی کار خود، اساساً یک متغیر است و ارزش آن باید توسط محصول تعیین گردد؛ نه آن‌که ارزش محصول توسط نیروی کار مشخص شود.
۵. نسبی بودن مطلوبیت؛ جونز مطلوبیت را امری نسبی و تابع شرایط گوناگون و در ارتباط با کالاها و خدمات مختلف می‌دانست. (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۳۶۷)

### هابسون

جان هابسون در ۱۸۵۸ در دربی شایر انگلیس چشم به جهان گشود و در ۱۹۴۰ در روز دروغ اول آوریل چشم از جهان فرو بست که این تقارن همان گونه که دیوید لانگ با طعنه ای شیطنت آمیز یادآور می‌شود «می‌تواند برای توجیه تصویری که از هابسون در مقام یک آرمان‌گرا ترسیم شده است کافی به نظر رسد» از نظر هابسون، بررسی اقتصاد سیاسی بین‌الملل بر پایه ی فرض جدایی روابط داخلی و بین‌المللی از هم بی‌معناست. برای پایان بخشیدن به اصلاحات اقتصادی و سیاسی بزرگی زد. برخلاف لنین که چنین چیزی را در دولت‌های سرمایه‌داری ناممکن می‌دانست هابسون امپریالیسم را نوعی خط مشی انتخاب شده می‌انگاشت و آن را قرینه ی ناگزیر نظام‌های مالکیت خصوصی سرمایه‌داری نمی‌شناخت. به باور او دولت می‌تواند با بالا بردن سطح درآمد اکثریت مردم خویش-خواه از طریق وضع قوانین ناظر بر دستمزدها، کارکودکان و قانون شناختن اتحادیه‌های کارگری، و خواه از طریق انتقال درآمدها به کمک مالیات گرفتن از رانت اقتصادی ثروتمندان و بازتوزیع ثروت در قالب مستمری بیکاری و رفاه اجتماعی-به مبارزه با مشکل کم مصرفی در داخل برخیزد. سرمایه‌داری می‌تواند از نظر اجتماعی «بی‌خطر» باشد مشروط بر این که دولت‌های لیبرال بیش تر در جهت مردم‌سالاری اجتماعی حرکت کنند. به همین دلیل، هابسون هم سیاست تجارت آزاد را نیرویی در جهت صلح می‌دانست. (طیب، ۱۳۹۰)

### آلفرد مارشال

اقتصاددان برجسته انگلیسی قرن نوزدهم و استاد دانشگاه کمبریج بود. او تأثیر مهمی بر علم اقتصاد گذاشت و شاگردان برجسته‌ای تربیت کرد که مهمترین آنان را می‌توان جان مینارد کینز دانست. کتاب او مبانی علم اقتصاد برای سال‌ها به عنوان مهمترین کتاب درسی علم اقتصاد در انگلستان تدریس می‌شد.

مارشال در واقع بنیانگذار تحلیل هندسی در علوم اقتصادی است. وی مدتی در علم فیزیک تخصص پیدا کرد و معلومات نسبتاً کاملی در ریاضیات کسب نمود. او معتقد است فقط در موارد لازم ریاضیات می‌تواند در تحلیلهای اقتصادی و آن هم در پاورقیها و ضمايم مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، ریاضیات جانشین روش تحلیلی در علم اقتصاد نیست بلکه وسیله‌ای است که در حاشیه‌اصول اقتصادی به درک بهتر آن کمک می‌کند. علم اقتصاد از نظر مارشال عبارت است از «مطالعه انسان در مسیر عادی زندگی». این علم در واقع آن قسمت از مطالعه جوامع انسانی است که از دیدگاه اجتماعی و رفاه مادی بشر را تأمین می‌کند» (تفضلی، ۱۳۷۲)

• نظریه تقاضا: در این نظریه مارشال رفتار مصرف کننده را با استفاده از «روش مطلوبیت» بیان می‌کند. روش دوم که جان هیکس اقتصاد دان انگلیسی به کار برده به «روش منحنیهای بی تفاوتی» موسوم است.

• نظریه عرضه: در این نظریه مارشال طرز رفتار تولید کننده را با استفاده از روش هزینه بیان می‌کند. هدف اصلی هر تولید کننده یا بنگاه تولیدی به حداکثر رساندن سود و یا به حداقل رساندن زیان می‌باشد. با این هدف، میزان محصولی که یک بنگاه تولیدی می‌تواند تولید نماید بستگی به میزان منابع تولید دارد که از آن بهره برداری می‌کند. پس با ترکیب میزان معینی از عوامل تولید میزان معینی از محصول بدست می‌آید. همچنین بنگاه تولیدی می‌تواند با افزایش یا کاهش در میزان بهره برداری از منابع تولید، میزان محصول را تا حد معینی افزایش یا کاهش دهد. بدین ترتیب، می‌توان با افزایش یکی از عوامل تولید و ثابت نگه داشتن سایر عوامل میزان محصول را تا حد معینی افزایش داد.

• نظریه ارزش مبادله: مارشال بررسی خود را برای تعیین ارزش مبادله از طریق تلفیق نظریات ریکاردو و جونز بیان می‌کند. در نظریه اول هزینه تولید معیار و مبنای ارزش مبادله یا قیمت است. در نظریه دوم مطلوبیت موجب تعیین ارزش مبادله یا قیمت می‌شود. مارشال معتقد است که عرضه و تقاضا قیمت را در بازار تعیین می‌کند. پشت منحنی عرضه، منحنی هزینه نهایی و پشت منحنی تقاضا، منحنی مطلوبیت نهایی قرار دارد.

• نظریه توزیع درآمد ملی: (تفضلی، ۱۳۷۲)

## دنیای وحشی تورستین و بلن

تورستین و بلن فرزند یک خانواده نروژی مهاجر، در ۳۰ ژوئیه ۱۸۵۷ در مزرعه ویسکانسین آمریکا زاده شد. او ششمین فرزند از دوازده فرزند خانواده بود. پدر و مادرش، دهقانانی اجاره‌کار بودند و سخت کار می‌کردند. وی در سوم آگوست سال ۱۹۲۹ در یکی از مناطق کالیفرنیا در گذشت.



تورستین وبلن یک شخص بسیار عجیب بود. در ظاهر یک روستائی بنظر می رسید، یک کشاورز نوروژی یک عکس از او نشان می دهد موهای بلند، نازک و خوابیده، در وسط کله کوتوله ماندش به شکل حرف V معکوس در قسمت پیشانی اش به دو قسمت تقسیم شده. چشم های روستائی، زیرک و کنکاش گر، که از پشت یک بینی تیز بیرون می زد، سبیل های شانه نشده اش لب هایش را پوشانده و ریش کوتاه ناصافش چانه اش را مخفی نموده است. در یک لباس ضخیم اتو نشده و یک سنجاق قفلی بزرگ به جلیقه اش آویزان؛ به ساعت او بند است. (ربیع، ۱۳۹۰)

وبلن خدمات خود را به صورت استادی حاشیه نشین در دانشگاه های شیکاگو، استنفورد و میسوری پشت سر گذاشت و بعد به صورت کارمند و ویراستاری حاشیه نشین دوران فعالیت خود را به پایان رساند. او برجسته ترین نویسنده ای است که امریکا را به نقد کشیده و سهم بزرگی در بررسی جامعه امریکایی داشته است. (صدیقی & طلوعی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸۸)

وبلن از بسیاری از متفکران اجتماعی تأثیر پذیرفت که از جمله آن ها عبارت بودند از: کارل مارکس، هربرت اسپنسر، چارلز داروین، ادوارد بلامی، کانت و پراگماتیست ها. (ثلاثی، ۱۳۸۴، ص. ۳۸۹)

یکی از بررسی های اصلی وبلن، تحلیل چگونگی تأثیر تکنولوژی و ساختار طبقاتی الگوهای تفکر و اندیشه بود. وبلن تلاش می کرد که نشان دهد چگونه فرهنگ و روابط اجتماعی توسط تکنولوژی شکل می گیرد. به نظر وی تحول جامعه عبارت است از فرایند پذیرش ذهنی و اندیشه ای که تحت فشار اوضاع و احوال اجتماعی و تمدنی به بار می آید. انطباق و سازگاری دوباره، به آهستگی و با بی میلی انجام می شود. سهولت فرایند پذیرش و انطباق، به درجه پذیرشی که افراد جامعه از خود نشان می دهند بستگی دارد. (علیزاده، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۵)

وبلن اصطلاح طبقه مرفه را در وصف افرادی به کار می برد که به لحاظ اقتصادی عملکردی غیرمولد دارند و از این نظر، همچون افراد طبقه کاسب کار هستند. وبلن گناه طبقه مرفه را مصرف توام با اسراف می دانست. اعضای این طبقه برای جلب توجه دیگران به مصرف متظاهرانه (خرید کالاهایی که برای ادامه حیات ضروری نیستند) و فراغت متظاهرانه (استفاده غیرمولد از وقت)، می پردازند. بنا به نظر وبلن، علاوه بر زیان هایی که اعضای این طبقه مستقیماً به ثبات اقتصادی جامعه وارد می آورند، برای اعضای طبقات اجتماعی نیز الگوی رقابت می شوند که نتیجه این امر، جامعه ای خواهد بود که به اتلاف زمان و پول می پردازند (صدیقی & طلوعی، ۱۳۸۸، ص. ۲۹۷)

به نظر وبلن، رفاه در نظام و طبقه صنعتی یعنی حداکثر تولید با حداقل هزینه که ویژگی روح صنعت امروزی بوده است. ولی روح بازرگانی، فروشندگی و دادوستد غیرمنصفانه است؛ یعنی «تحمیل به طرف مقابل، تا جایی که رابطه دادوستد تاب می آورد و گسسته نمی شود.» به این خاطر او باور داشت که «افراد» طبقه مرفه (بخشی حیاتی از جامعه صنعتی نیستند) و این نوآوران هستند که نقش اصلی را دارند. اما در طبقه مرفه، نوآور آدمی بی ارزش است یا حداقل، نوآوری نامطلوب است. حال آنکه نوآوران فن گرا، سازندگان تاریخ هستند و اگر مدیریت صنعت در دست نوآفرینان و دیگر متخصصان فنی قرار گیرد، رفاه مادی می تواند به مقدار بیشتری بهبود یابد. البته اگر عملیات صنایع پس از چندی به جریانی عادی و بوروکراتیک تبدیل شده باشد، مدیریت مهندسان و متخصصان فقط به نمایش این موقعیت خواهد پرداخت. همچنین وبلن، بر اساس بر این فرض که «تراکم ثروت در دست قطب برتر و ثروتمند، بیانگر محرومیت سطوح پایین جامعه است»، می خواهد ثابت کند که این دورنگی همواره ثابت است و طبقه ثروتمند «طبقات پایین را تا جایی از ابزار معیشت بخور و نمیر و از مصرف محروم می کند و در نتیجه از انرژی و کارمایه آنها به حدی می کاهد تا بتواند ثابت کند که آنها در تلاش برای یادگیری و پذیرش اندیشه های نو ناتوان هستند. با این اوصاف، همیشه گروه های ذی نفعی وجود دارند که تداوم ساختار نهادی را تضمین کنند.

طرح تکامل اجتماعی انسان از نظر وبلن، در اصل، الگویی از دگرگونی اجتماعی است که ریشه در تحول فنون صنعتی دارد. او چهار مرحله را در تکامل انسان بر می-شمرد :

۱. عصر بدویت؛ که مشخصه آن صلح و همیاری بود، در این زمانه توجه بشر به رفاه جامعه خود معطوف بود.
۲. عصر بربریت؛ که ویژگی بارز آن رقابت و جنگ‌طلبی بود. در این دوره، توجه بشر به منافع شخصی و بهره-گیری از فنون صنعتی برای دستیابی به تفوق اقتصادی بر دیگران جلب شد.
۳. عصر صنایع دستی و ماشین؛ در این عصر صنایع دستی و ماشین جانشین عصر بربریت شده که در آن، منافع مادی بر رفتار بشر احاطه دارد.
۴. جامعه صنعتی مدرن؛ این جوامع باید از وسعت کافی برخوردار باشند؛ چرا که صنایع عظیم و گسترده فقط در جوامعی می-توانند شکل بگیرند که وسعت کافی برای تأمین مشاغل تخصصی متعدد داشته باشند. جامعه مدرن بیش از سایر جوامع، قادر به انطباق با تغییرات محیط است. افراد در تمدن مدرن بیش از دیگران قادر به اتخاذ بینشی غیرشخصی و بی-طرفانه در برابر واقعیت-های مادی-اند که بشر مجبور است با آن‌ها مواجه شود. (صدیقی & طلوعی، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۵)

اما بیش از هر چیز، این شخص بسیار به رشته اقتصاد کمک کرد- یک جفت چشم جدید که با آن‌ها بتوان دنیا را دید. پس از آنکه وبلن وحشیانه بودن رفتارهای روزمره زندگی را توضیح داد، حفظ چهره کلاسیک جامعه بعنوان یک مهمانی چای بسیار مرتب و آبرومند بطور روزافزونی مشکل تر می شد. نفرت او از مکتب قدیم با زبان نیش داری خود را نشان داد موقعی که نوشت: یک دسته از افراد مقیم جزایر آلوشین (Aleution) که با شن کش‌ها در میان شن‌ها و صدف‌ها در کف موج ساحل بدنبال رویای جادوئی گرفتن سخت پوستان هستند، تصور شود... درگیر یک پیروزی موازنه ی یونانی بین اجاره، دستمزدها و نرخ بهره هستند. و دقیقاً همانگونه که سعی در پاسخگوئی به مبارزه انسان ابتدائی با قرار دادن آن در قالب موجودی بدون گوشت و استخوان را به تمسخر می گرفت، همانگونه تهی بودن سعی در فهم رفتار انسان مدرن ه با مشتی پیش فرض های ناقص و کهنه شده را روشن نمود. انسان را، به قول وبلن، نمی توان از طریق "قوانین اقتصادی" پیچیده ای درک کرد که قدرت و خلاقیت ذاتی او در زیر یک پوشش توجیه گرائی له شده باشد. از طریق ادبیات کمتر خودپسندانه انسان شناسان یا روان شناسان بهتر می توان به آن پرداخت. (ربیع، ۱۳۹۰)

## دنیای بیمار جان مینارد کینز

در قرن بیستم هیچ اقتصاددانی، چه در صحنه تئوری و چه در صحنه عملی سیاست اقتصادی به اندازه کینز بر روی اقتصاد سیاسی اثر نگذاشته است. از ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۶ او مغز متفکر اقتصاد انگلیس بود. او با آموخته های ریاضی پا به عرصه اقتصاد گذاشت. در سال ۱۹۱۳ اولین کتاب خود با عنوان پول و مالیه هندوستان را در نحوه عمل سیستم پایه طلا نوشت. در سال ۱۹۲۱ کتاب اثرات اقتصادی صلح با توجیه مخالفت خود با شرائط سنگین غراماتی که متفقین به آلمان تحمیل کرده اند را نوشت. در سال ۱۹۲۳ کتاب اثرات اقتصادی سیاست چرچیل و فرم پولی و در سال ۱۹۳۰ با انتشار رساله در باب پول به شهرت رسید. آخرین کتاب او نظریه عمومی اشتغال، پول و بهره در سال ۱۹۳۶ بود که بعد از آن کینز بعنوان یک اقتصاد دان انقلابی و نوآور معروف شد. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۴۷۰)

نظرات کینز:

- رفرم پولی: پس انداز مابه التفاوت درآمدهای پولی افراد از هزینه های پولی آنها برای خرید کالاهای مصرفی است. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۴۸۶) سطح قیمت کالاهای مصرفی به نسبت هزینه تولید، به تصمیمات مردم برای پس انداز قسمتی از درآمدهای خود، و به تصمیمات کارفرمایان برای آن قسمت از تولیدات که صرف ساختن کالاهای سرمایه داری می کنند بستگی دارد. نتیجه ای که او می گیرد اینست که سطح عمومی قیمتها و سودکل تابع چهار عامل است: ۱- نرخ پس انداز، هزینه های جدید سرمایه گذاری، ۳- تمایل عمومی مردم به رجحان دادن سپرده های پس انداز نسبت به اوراق بهادار، ۴- حجم سپرده های پس انداز. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۴۹۵)
- بازرگانی وقتی دست نیاز به پس انداز دراز می کن که بخواهد کار خود را گسترش دهد چون دریافتیهای منظم و عایدش سرمایه کافی در اختیارش نمی گذارد که کارخانه جدیدی بنا کند. (ربیع، ۱۳۹۰)
- نظریه پول: از دیدگاه کینز، نرخ بهره بر اثر تلاقی تقاضای نقدینه با عرضه پول که سیستم بانکی را وارد جریان اقتصادی میکند تعیین می شود. تقاضای پول و رجحان نقدینگی چهار انگیزه می توانند داشته باشند:
  - i. انگیزه درآمد: یکی از انگیزه های مردم برای نگهداری پول نقد، انگیزه درآمدی است که خانواده ها بعنوان تنخواه گردان برای فواصل بین وصول درآمد و خروج آن نگهداری می کنند.
  - ii. انگیزه کسب و تصدی یا انگیزه معاملاتی: این انگیزه شبیه انگیزه مورد قبل، کارفرمایان را برآن میدارد که برای فواصل بین تعهد هزینه های حرفه ای تا فروش تولیدات خود مقداری پول نقد نگهداری کنند.
  - iii. انگیزه احتیاطی: برای مقابله با هزینه های احتمالی و یا به قصد استفاده از خرید و فرصت ها مناسب است.
  - iv. انگیزه سفته بازی و خرید و فروش اوراق بورسی: دو انگیزه اولی به فعالیت اقتصادی مربوط اند. انگیزه های آخری به عدم اطمینان از آینده بستگی دارد. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۵۱۴)

رفرمهای پولی که او عنوان می کرد در واقع برای محدود کردن خود مختاری دولت در مسائل پولی بوده تا دولت نتواند هرکاری که می خواهد بکند. پیشنهادات او : ۱- محدود کردن اختیارات دولت در چارچوب مقررات ۲- ایجاد پول بین المللی بانکور در کنفرانس برتن وودز. ۳- تاسیس بانک فراملیتی و پول بین المللی بانکور، بستن عوارض بر بدهیهای بانکهای مرکزی به بانک بین المللی و همچنین بر دارائی های بانکهای مرکزی به صورت بانکور به منظور پائین آوردن نرخ بهره در سطح مطلوب، همه و همه برای محدود ساختن اختیارات دولت بوده است. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۵۳۰)

• نظریه تعادل اقتصادی: کینز در توجیه عقیده "تعادل خودبخود و بطور اتوماتیک استقرار نمی یابد"، می گوید: تولیدکنندگان وقتی سرمایه گذاری می کنند و وقتی برای سرمایه گذاری متوسل به استقراض می شوند که فایده ای در آن کار پیش بینی کنند و فایده کار برای آنها وقتی است که سود آینده یا امید بازدهی سرمایه یا به اصطلاح خو کینز کارائی نهایی سرمایه یا سودآوری نهایی سرمایه بیشتر از نرخ جاری بهره باشد و به این لحاظ است که می گوید پول گران دثمت توسعه و تنزل بهره راز ترقی است. به نظر او مصرف، سودآوری سرمایه و نرخ بهره سه متغیر مستقل اند که سیستم اقتصادی به آنها بستگی دارد. استقلال آنها از این جهت است که نسبت به مکانسیم کلاسیک مستقل اند و تغییرات آنها تابع قیمتها نیست بلکه به حالات روانی افراد مثل مصرف کنندگان، پس انداز کنندگان، کارفرمایان و به مداخلات دولت در زمینه نرخ بهره بستگی دارد. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۵۳۷)

• کینز، تقاضای موثر، اشتغال و تورم رکود:

به نظر کینز مصرف تابعی مستقیم ولی متناسب از درآمد ملی است به این معنی که با افزایش درآمد، مصرف نیز افزایش می یابد منتها نه به همان میزان که درآمد افزایش می یابد زیرا که مقداری از افزایش درآمد پس انداز بیشتر می شود. (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۵۵۷)

• فراوانی پول و تنزل بهره:

کینز در نظریه عمومی می نویسد: اگر پول را اکسیری بدانیم که باعث تحرک فعالیتهای اقتصادی سیستم شود باید بپذیریم که موانعی نیز سر راه هست. در حالیکه می توان متوقع بود که افزایش حجم پول نرخ بهره را پایین می آورد چنین نخواهد بود اگر رجحانات نقدینه داری مردم بیش از مقدار پول در گردش افزایش یابد. در حالیکه میتوان امیدوار بود که تنزل نرخ بهره باعث افزایش سرمایه گذاری خواهد شد. چنین نخواهد بود اگر منحنی امید سودآوری نهایی سرمایه بیشتر از تنزل نرخ بهره تنزل کند. (قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص. ۵۶۷)

تفاوت دید کینز با لیبرالها:

اشتغال: از دیدگاه نئوکلاسیک ها: تقاضای کار توسط کارفرمایان با تنزل مزد افزایش و با ترقی آن کاهش می یابد. باید مزد کمتر از بهره وری نهایی کار باشد. از دیدگاه کینز: تقاضای کار کارفرمایان تابع سطح تولید است. مزد یک متغیر نهادهای برونزا است که تابع رابطه های قدرت و مذاکره و چانه زنی بین کارفرمایان و سندیکاهای کارگری است. (قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص. ۵۷۹). تنزل مزدها قیمتها را تنزل می دهد و موجب افزایش درآمد حقیقی غیرمزد بگیران می شود. بنابراین تقلیل مزدها میل به مصرف را تقلیل می دهد و در جهت عکس اشتغال ایفای نقش می کند. (تفضلی، ۱۳۷۲، ص. ۵۷۷)

سرمایه گذاری: از دیدگاه نئوکلاسیک ها: سرمایه گذاری تابع نرخ بهره است که تغییرات آن باعث تعادل بین پس انداز و سرمایه گذاری می شود. هر کارفرما یا موسسه وقتی کالاهای سرمایه ای می خرد که بارآوری نهایی ماشین آلات او بیشتر از هزینه باشد. از دیدگاه کینز: سرمایه گذاری تابع تقاضای موثر است. سرمایه گذاری در درجه اول ثمره کارفرمایان است. نرخ بهره در انتخاب بین پلاسمان مالی و خرید کالاهای تولید حقیقی نقش ثانوی نسبت به تابع تولید است. (نمازی، ۱۳۸۷، ص. ۷۴)

مصرف: از دیدگاه نئوکلاسیک ها: سطح مصرف یک تابع روند صعودی درآمد و یک تابع روند نزولی نرخ بهره است. از دیدگاه کینز: مصرف تابع سطح کل درآمد و میل به مصرف است و میل به مصرف به همان اندازه بالا می رود که درآمد پایین می آید.

عرضه کار: از دیدگاه نئوکلاسیک ها: کارگران نامطلوبیت کار و سطح ارضایی که می توانند با درآمد حاصل آن کار خود به دست آورند مقایسه می کنند. عرضه کارگران با مزد حقیقی افزایش می یابد. از دیدگاه کینز: عرضه کارگران در درجه اول تابع سطح جمعیت فعال و عادات اجتماعی اشتغال است. کردار جمعی و کولکتیو در عرضه کار حاکم است زیرا که نرخ مزد خیلی پایین را کارگران نمی پذیرند.

تعادل، عدم تعادل عملیات دولت: از دیدگاه نئوکلاسیک ها: قانون بازارهای ژان باتیست سه تضمین می کند که عرضه خالق تقاضای خود است و بحرانهای اضافه تولید غیرممکن است تا زمانی که نظام رقابت کامل حاکم است اقتصاد بازار گرایش به تعادل تثبیت شده از طریق تعدیل قیمت ها دارد و دولت باید از ایجاد اختلال در تعادل خود به خود احتراز کند. از دیدگاه کینز: ناکافی بودن تقاضای حقیقی نسبت به تقاضای موثر به وجود آورنده بحرانهای اضافه تولید می شود. تعادل خود به خود نمی آید و غالباً تعادل ناقص به علت وجود اشتغال ناقص وجود دارد. هیچ مکانیسم خودکاری برقرار کننده تعادل نیست فقط دولت می توان یک اقتصاد عمیقاً بی ثبات را تنظیم کند. یک سیاست کسری بودجه می تواند از طریق عملکرد ضریب افزایش رونق بوجود آورد. نرخ بهره پایین سرمایه گذاری را تسهیل کند. (قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص. ۵۷۹)

➤ ابداعات کینز در تحلیلهای اقتصادی بدین شرح می باشد: ۱- منطق مداری یا دوره ای را جانشین منطق تعادلی نئوکلاسیک می کند و نحوه استدلال را تغییر می دهد. ۲- با دید ماکرو اقتصادی یا به یک دورنمای ماکرواکو نومی با کمیتهای کلان استدلال می کند و از این جهت به اندیویدوالیسم روش شناسی نئوکلاسیکهای زمان خود حمله می برد. ۳- برای اقتصاددان نقش فعال قائل می شود که باید به دولت توصیه کند و ضامن رشد و اشتغال کامل باشد. (قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص. ۵۸۱).

## فرای انقلاب اقتصادی - جوزف شومپیتر

در سال ۱۹۳۳ ملت تقریباً بیچاره شده بود. درآمد کشور به ۳۹ میلیارد دلار رسیده بود. بیش از نیمی از ثروت چهار سال گذشته بدون برجای گذاردن هیچگونه اثری ناپدید شده بودند؛ میانگین سطح زندگی به جایی رسید که بیست سال پیش از آن قرار داشت. در کنج خیابانها، در منازل، در حلبی آبادها (خرابه ها)، ۱۴ میلیون بیکار نشسته بودند، و روی زمین دنبال شکاری می گشتند. بنظر می رسید روحیه افتخار آمیز پر از امید برای همیشه از آمریکا رخت بسته است. (ربیع، ۱۳۹۰)

این صدای یوزف شومپیتر است. هیچ کس این مرد کوچک اندام، سیه چرده و اشراف منش را با آن سلیقه اش در نوشتن نثر دراماتیک و رفتار و حرکات نمایشی بدرستی نشناخته است. جالب است که او بعدها درباره ی خود اظهار داشته است که در زندگی همواره سه آرزو را در دل می پرورانده است: عاشق پیشه ای مهم و سرشناس، سوارکاری قابل و مشهور و اقتصاددان بزرگی بشود. او معتقد است که از این سه به دو آرزویش رسیده است. عقیده ی همگان این است که او آدمی برجسته بود- و در عین حال سرگشته و مضطرب. شاگردانش در هاروارد شکایت داشتند که وضع او هیچ وقت قابل پیش بینی نبود و کاملاً حق با آنهاست. در سن حساس ۲۷ سالگی- معلمش در حق او اظهار داشته است که او هیچ وقت مبتدی نبوده است- شومپیتر با نشان دادن راه کاملاً تازه ای در فرایند رشد اقتصادی، دنیای اقتصاد را یکباره به هم زد و در سی سالگی با ارائه ی تاریخ شکوهمندی از دکتترین های اقتصادی سیمای دیگری به آن بخشید. (شهباس، ۱۳۸۷)

همه توافق داشتند که از هوش سرشاری برخوردار بود- و شخصیت پیچیده ای داشت. دانشجویان او در هاروارد از این شکایت داشتند که هرگز قابل پیش بینی نبود، و حق کاملاً با آنها بود. در سن جوانی بیست و هفت سالگی- استادش به او گفت که وی هرگز از آغاز شروع نکرده است- شامپیتر گوش دنیای اقتصاد را با یک توضیح (سخنرانی) نفس- گیر پروسه رشد اقتصادی کر نموده بود و در سی سالگی با تاریخ دکتترین اقتصادی فوق العاده اش پر افتخار دیگری بر کلاه خود افزود. ولی دانشجویانی که در اواخر سال های دهه ۱۹۳۰ در کلاس او حاضر می شدند بطور مرتب از شنیدن توضیحات رشد سرمایه داری شوکه می شدند، که با خوشحال آشکار اعلان می نمود، بحران های اقتصادی، برخلاف اینکه معایب اجتماعی نا خاسته نیستند، بلکه عملاً در طبیعت خود "یک دوش خنک مفید" برای سیستم اقتصادی هستند! (ربیع، ۱۳۹۰)

وی یکی از پیشگامان در استفاده و ارتقای اقتصادسنجی نیز محسوب می شود که بنیانگذاری انجمن اقتصادسنجی آمریکا نیز از فعالیت های او به شمار می رود.

شومپیتر در ۱۹۷۶ برای ارائه نظریه خود مفهوم کارفرما را خلق میکند و وجود آن را برای رسیدن به توسعه ضروری میداند. شومپیتر در سه محور اساسی به تبیین نظریه خود و تعریفی که از مفهوم کارفرما دارد، می پردازد .

این سه محور عبارتند از:

۱. روحیه کارفرمایی
۲. پیشرفت دانش فنی
۳. شرایط و فضای اجتماعی

شومپیتر با اشاره به شخصیت و ویژگی-های فردی «کارفرما»، او را فردی ریسک-پذیر، نوآور، مبتکر و آینده نگر می داند که بدون اینکه آدم پولداری باشد، برای به وجود آوردن یک واحد تولیدی پول فراهم می کند. شومپیتر معتقد است که کارفرما نه بر اساس شیوه های سنتی بلکه با استفاده از نوآوری و ابتکاری که در خود سراغ دارد به دنبال روشهای جدید برای بکارگیری منابع موجود است. شومپیتر همچنین اظهار می کند که ورود «کارفرما» در جامعه باعث پرورش کارفرماهای بیشتر میشود و این پروسه نهایتاً به توسعه می انجامد. (از کیا، ۱۳۸۸)

## بخش دوم

### اقتصاد دانان – لئونارد سیلک



## پاول انتونی ساموئلسون

مقدمه:

در اقتصاد، پهنه ای که موی سفید و یک کرسی استادی غالباً به عنوان سند ضمانت خرد محسوب می شود، پاول ساموئلسون یک کودک عجیب به نظر می رسید. استعداد طبیعی وی در رشته اقتصاد شگفت اور بود: بخش مهمی از اثر مبانی تحلیل اقتصادی وی در سال ۱۹۳۷ هنگامی که وی پسری ۲۲ ساله دانشجوی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه هاروارد بود نوشته شد. در این اثر، وی برای پاک کردن خوک دانی کثیف حوزه اقتصاد، که وی آن را پر از تناقض گویی، دوباره کاری، سفسطه و سایر موارد ضعف یافته بود همت گمارد. وی به همقطاران اقتصاد دان خود اظهار نمود که آنان به "یک نوع بازی ژیمناستیک ذهنی عجیب و بی ارزش" مشغول اند. و درست مانند "ورزشکاران خوب تعلیم دیده ای هستند که هرگز در مسابقات شرکت نمی کنند." (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳، ص. ۱۰)

نظریه کالای عمومی :

ویژگی های کالای عمومی

رقابت ناپذیری؛ منظور از رقابت ناپذیری در کالاهای عمومی این است که وقتی این کالاها ارائه می شود، ورود فرد جدید، رقیب فرد قبلی محسوب نمی گردد. اما در کالای خصوصی ورود فرد جدید با مصرف مقدار خاصی از کالا، به نحوی رقیب بقیه محسوب می شود. (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۰)

استثنای ناپذیری ؛ یک فرق اساسی بین کالاهای خصوصی و عمومی امکان یا عدم امکان محروم سازی دیگران از کالای مورد نظر است. یعنی پس از تهیه و عرضه کالای عمومی، هیچ فردی را نمی -تون از مصرف آن بازداشت. (الیاسی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷)

کالای عمومی خالص و ناخالص؛ با ترکیب دو ویژگی فوق، انواع کالا و خدمات استخراج می شود. اگر کالا و خدمات کاملاً غیر قابل رقابت بوده یا استفاده هم زمان مصرف -کنندگان بدون هیچ تغییری در منافع دیگران ممکن باشد، کالای عمومی خالص خوانده می شود.

الگوی ساموئلسون؛ در مقاله سال ۱۹۵۴ خود "نظریه تولید و مصرف کالاهای عمومی" را در چارچوب شرایط بهینه پارتو تطبیق داد. او با در نظر گرفتن دو خاصیت غیر قابل تفکیک بودن منافع و امکان مصرف هم زمان برای کالای عمومی، شرایط بهینه پارتو را نشان داد. (پژویان، ۱۳۸۵، ص. ۲۰)

ساموئلسون می گوید من در دوم ژانویه ۱۹۳۲ طبق تاریخ در شانزده و نیم سالگی یک اقتصاد دان شدم، یک روز صبح بود که به عنوان سال اولی که هنوز دبیرستان را ترک نکرده است، به کلاس ساعت ۸ صبح لوئیس ورس اقتصاددان برجسته رفت تا صحبت های راجع به مالتوس را بشنود. این اولین سخنرانی از اولین درسش در دانشگاه شیکاگو بود. او به خاطر می آورد که مالتوس را بسیار متمایل به جنسیت یافت (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳، ص. ۱۷)

ساموئلسون در طول زندگیش جوایز ریاضی زیادی برای خدمت به بشر دریافت کرد. او به هنر بدون خونریزی فکر نمی کرد. یا برای شرایط موعظه نمی کرد. او جایزه نوبل را دریافت کرد و گفت اقتصاددان آمریکایی دو نسل پیش اچ جی لاونپورت که بهترین دوست تروستین ولبن بود و این تا مدتی در زیر زمین زغال سنگ زندگی می کرد. و بن می گوید دلیلی وجود ندارد که چرا اقتصاد نظری باید فروش انحصاری داشته باشد. در طول زندگیم همیشه سعی کردم توان و جرات گفتن آن را داشته باشم. معجزه های اقتصادی، گاهی، تاثیر

قدرتمندی بر اجتماع دارد و مسائل مشقت بار میلیون ها نفر را در سراسر جهان حل می کند. ساموئلسون در دوباره سازی اقتصادی در رشته های تخصصی منسجم و مرتب پیشگام است. (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳، ص. ۵۹)

www.markazdanesh.ir

## جان کنیث گلبریت

### سوسیالیزم بدون اشک

گلبریت می خواهد و شایستگی آن را دارد که از شهرتش رها شود، حتی از بهترین نوع خودش. او اولین و بهترین اقتصاددان، ویکی از جدی ترین آنها است. برای گلبریت، به عنوان رهبر دیگر اقتصاددانان آمریکا، رکود دهه ۱۹۳۰ یک تجربه اصلی بود. او علم اقتصاد را با یک مفهوم برای زندگی سیاسی و اجتماعی اش بنیان نهاد که هرگز از بین نرفت. وقتی که رکود از شمال آمریکا شروع شد، جان کنت گلبریت یک دانشجوی دوره لیسانس مطالعات اقتصاد کشاورزی و دامپروری از دانشگاه کشاورزی انتاریو در گولف بود. او از یک اقامتگاه جالب معتدل از کشاورزی اسکاتلندی - کانادایی در شمال ساحل دریاچه ایری بود. گلبریت ها یکی از بزرگترین طایفه ها در جنوب انتاریو به اصطلاح: "ارکان اجتماع" بودند. (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳)

نظریات اقتصادی جان کنت گلبرایت: (قدیری اصل، ۱۳۶۴، ص. ۷۷۰)

- بنگاههای بزرگ
- نهاد فنی
- نفی حاکمیت مصرف کننده
- کالاهای عمومی
- روابط قدرت

### وضعیت جدید صنعتی در سال ۱۹۶۷

گلبریت توضیح قانع کننده تری از مفهوم وابستگی به تولید در جامعه متمدن ارائه داده بود. تحت شرایطی او اعتقاد داشت فعالیت مصمم انسان به سمت یک گستره بالاتر از ایده ها است. از طریق تاکید بر اهمیت اسطوره اقتصادی، کتاب بیشتر به سوی حداقل کردن تاثیر واقعیت نهاد اساسی در ارتقا مسیر برای کالاهای بیشتر تمایل داشت. این راندن ارزوی غیر مخرب برنامه های اجتماعی کندی و اداره نمودن جانسون و اطلاع در حال رشد نیاز به برگرداندن جامعه به حالت توازن را به یاد می آورد. تفسیر و توضیح در مورد نیازمندی به فناوری وساختار فنی وجود داشت. در وضعیت صنعتی جدید بالاترین اولویت به هدف امنیت اقتصادی اختصاص داده شد، و این به معنی توسعه مداوم تولید تلقی می شد. نتایج وحشتناک بود. در دنباله روی بدون تفکر از رشدی که هیچ مانعی بر سر راه آن نبود. استانداردهای محیطی سلامتی، امنیت و بحث زیبا شناختی مورد تاخت و تاز قرار گرفت. بهر حال به هدف شخص خاصی خدمت ارائه نمی شد. تورم و بهم پیچیده شدن قیمت مزد، عوارض وضعیت صنعتی جدید غیر قابل اجتناب بود. یک عدم تعادل میان دو کالای عمومی و خصوصی که پدیدار شده بود غیر قابل اجتناب بود. هنوز گلبریت احساس نمی کرد که همه چیز از دست رفته است، هنوز امید به تحصیل وجود داشت. (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳)

مفهوم دولت از اقتصاد از دیدگاه گلبریت: (تفضلی، ۱۳۷۲، ص. ۳۳۵)

- دولت باید نقش اساسی در بخش های از اقتصاد که در آن احتیاجات جامعه به طور کافی ارضا نشده مانند مسکن، حمل و نقل، بهداشت و اقدامات لازم را برعهده بگیرد.
- دولت باید از بنگاه های کوچک که در بازار نمیتوانند در برابر شرکت های بزرگ رقابت کنند حمایت کند.
- دولت باید برای همه مردم درآمد سرانه تضمین شده در نظر بگیرد.
- دولت باید مناقصه های بزرگی که در بخش نظامی و دفاعی جامعه صورت میگرد، ملی اعلام کند و خود به عهده بگیرد.
- نقش دولت باید در امور برنامه ریزی و بازبینی شرکت های بزرگ از نظر قیمت گذاری و تعیین دستمزد گسترش یابد.

www.markazdanesh.ir

## میلتون فریدمن

دام اسمیت را عموماً به عنوان پدر اقتصاد مدرن می‌شناسند و میلتون فریدمن نیز پسر برجسته معنوی او به حساب می‌آید. سهم قابل توجه و بی‌بدیل میلتون فریدمن در نجات رکود بی‌سابقه اقتصادی دهه ۱۹۳۰ که می‌رفت تا سیستم بازار آزاد را به کلی نابود کند، کاملاً قابل تامل است. او می‌خواست نشان دهد تا چه حد قدرت کیش اسمیت می‌توانست کاربرد های بسیار با نبوغی در بهره‌گیری از نیروهای نفع شخصی و بازار آزاد در حل مشکلات اجتماعی دارا می‌باشد. (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳)

فریدمن مدت کوتاهی را در دانشگاه ویسکانسین و دانشگاه مینه‌سوتا سپری کرد، سپس به دانشگاه شیکاگو برگشت و به همراه جرج استیگلر، مدرسه اقتصاد شیکاگو را گسترش داد. وی در سال ۱۹۴۶ مشاور اقتصادی بَری گلدواتر، (۸) نامزد ناموفق ریاست جمهوری آمریکا شد و مدتی نیز مشاور اقتصادی نیکسون رییس جمهور آمریکا بود. فریدمن طی سال های ۱۹۶۷-۱۹۷۰ عضو شورای نیروی مسلح داوطلب رییس جمهور آمریکا و در سال های ۱۹۷۳-۱۹۷۱ عضو شورای سیاست اقتصادی ریگان بود. فریدمن مدارج افتخاری متعددی از دانشگاه های ایالات متحده آمریکا، ژاپن، اسرائیل و گواتمالا دریافت داشته است. وی هم چنین در سال ۱۹۸۸ نشان آزادی ریاست جمهوری و در همان سال نشان ملی علم را دریافت کرد. (قنادان، ۱۳۹۱)

### **نقش دولت در اقتصاد**

فریدمن را می‌توان یکی از طرفداران جامعه آزاد و آزادی فردی به حساب آورد. وی برای آزادی‌های فردی اهمیت زیادی قائل است و برای حفظ آن معتقد به محدود کردن دخالت دولت است. طبق نظر فریدمن برای تغییر و اجرای قوانین در جامعه، نمی‌توان صرفاً به عرف و عادت متکی باشیم و نتیجتاً به یک میانجی یا داور احتیاج داریم. بنابراین نقش اساسی دولت در یک جامعه آزاد، تجهیز وسایل لازم برای تغییر شکل قوانین و ایفای نقش میانجی است. از نظر وی، دولت باید وظایفی را برعهده گیرد که از عهده بازار ساخته نیست. این وظایف، عمدتاً اعمال قوانین مختلف و ایفای نقش میانجی‌گری است. قوانین (مانند قوانین انعقاد قرارداد، چاپ اسکناس و غیره)، ضوابطی است که نظام سرمایه‌داری، صریحاً به آن نیاز دارد. وظایف میانجی‌گری، توسط دستگاه امنیتی، دیوان عالی و بانک مرکزی کشور اعمال می‌شود. بنابراین فریدمن به هیچ‌وجه طرفدار بی‌دولتی و آشوب‌گرایی نیست. اما وی با فلسفه کینز و کینزین‌ها در مورد نقش و دخالت دولت در اقتصاد هم موافق نیست و از آن‌جا که دولت، آزادی فرد و جامعه را دچار مخاطره می‌کند، همواره از گسترش وظایف و فعالیت دولت بیم دارد (تفضلی، ۱۳۷۲، ص. ۴۷۰)

### **اقتصاد اثباتی :**

هدف غایی یک علم اثباتی ایجاد نظریه یا فرضیه‌ای است که پیش‌بینی‌های روا و با معنا از پدیده‌هایی که تا کنون مشاهده نشده‌اند، به دست دهد. چنین نظریه‌ای در کل پیچیده از دو عنصر است. گاهی این نظریه یک زبان است که برای بهبود روش‌های نظام‌مند و سازمان‌یافته استدلال، طراحی شده است و گاهی پیکره‌ای از فرضیه‌های ماهوی است که برای تجرید خواص ذاتی واقعیت پیچیده، طراحی گردیده است. (دادگر & کمالی، ۱۳۹۱، ص. ۸۴)

میلتون فریدمن، ضمن پذیرش تفکیک اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری، اقتصاد اثباتی را به "هست‌ها" و اقتصاد دستوری را به "بایدها" منتسب می‌داند. او در عین حال، معتقد است که اقتصاد دستوری، وابسته به اقتصاد اثباتی و متأثر از آن است و نتیجه هر سیاست اقتصادی، براساس پیش‌بینی نتایج یک عمل اقتصادی تنظیم می‌شود. فریدمن، هدف نهایی یک علم اثباتی را توسعه نظریه و یا فرضیه‌ای می‌داند که با آن بتوان پیش‌بینی‌های معتبر و معناداری درباره پدیده‌ها ارائه کرد. هرچه نظریه مهم‌تر و قوی‌تر باشد، فروض آن، غیرواقعی‌تر خواهد بود. در روش‌شناسی فریدمن، کارآیی یک نظریه، دردقت پیش‌بینی‌های آن است. (زریباف، ۱۳۸۳، ص. ۲۰)

فریدمن به خاطر مطرح کردن بحث اقتصاد و سرمایه داری در زمان خود و در زمانی که اغلب همقطاران قبلی او در علم اقتصاد به دنبال یافتن راه‌هایی جهت استفاده از دولت برای پیشبرد عملکرد اقتصاد بودند و می‌خواستند رفاه اجتماعی را ارتقاء بخشند؛ به عنوان یک جنگنده گرم و اتشین شناخته شد. از خود گذشته‌گی فریدمن در فلسفه اقتصاد آزاد و مهارت او در بحث کردن پیرامون مسائل مختلف و نیز علاقه بسیار زیاد او به صنعتی شدن و جامعه سازمان یافته، موجب شد او را در آمریکا به عنوان محافظه کارترین اقتصاد دان لقب دهند و وی را قهرمان میدان تجاری و اقتصادی در ایالات متحده و بسیاری از کشورهای دیگر بشناسند. (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳، ص. ۶۷)

## واسیلی لئونتیف

در سال ۱۹۰۶ در لنینگراد روسیه دیده به جهان گشود، پدر او استاد «اقتصاد کار» در دانشگاه پترزبورگ بود. او در سال ۱۹۲۱ وارد دانشگاه لنینگراد شد و اقتصاد کلاسیک را در آنجا خواند و این در حالی بود که انقلاب روسیه در این دوران در حال تغییر اقتصاد و سیاست در آنجا بود. لئونتیف به عنوان سوسیالیستی غیر کمونیست نظام جدید را مورد انتقاد قرار می‌داد و به همین خاطر بارها زندانی شد. با این وجود او در سال ۱۹۲۵ از دانشگاه فارغ التحصیل شد و بعد از شش ماه روسیه را به مقصد دانشگاه برلین ترک نمود و به تحصیل دکترای اقتصاد مشغول شد. (شهرآبادی & بشیری، ۱۹۷۳)

### مدل لئونتیف

لئونتیف در مورد ساختار اقتصاد آمریکا، آشکارا به مدل باز اشاره می‌کند، که در آن تقاضای نهایی مستقل در نظر گرفته شده است. وی حرفها کینز را بازگو میکرد و فهمیده بود که همه کاربردهای عملی مدل هدفشان ارزیابی تأثیر اجزای مختلف تقاضای نهایی بر سیستم اقتصادی شده است اگر مدل لئونتیف بتواند در عملکردش در نقش مدل کینزینی تعریف شود، ساختار آن به نظر میرسد که از منظر اول نهاییونی باشد، لئونتیف به عبارتی ساده سازی والراسی ضرایب ثابت تولید را می‌پذیرد. مدل لئونتیف یکی از مدل‌های تعادل عمومی اقتصادی است و الگوی نخستین آن تنها میتواند مدل ریاضی لئون والراس باشد. به هر حال ممکن است استدلال شود که بخش کلاسیکی مدل لئونتیفی در ورای معنای ضمنی کینزی و نهاییونی قرار میگیرد و یک مفهوم تئوری اقتصاد کلاسیکی به صورت یک چارچوب تحلیلی آزاد ارائه میدهد. مدل لئونتیف یک مدل دایره وار مدل تولید میباشد به طور چشمگیری در مقابل دیدگاه ارائه شده تئوری مدرن قرار میگیرد. در بهترین سنت اقتصاد کلاسیک بی تردید هدف بلندپروازانه تحلیل لئونتیف، مطالعه اقتصاد واقعی با همه پیچیدگیهایش است. (اخباری، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۵)

## آزمون تجربی لئونتیف:

پیشنهاد اصلی در تئوری هکشر و اوهلین این بود که کشوری کالایی را صادر کند که عامل تولید نسبتاً فراوانش را در تولید آن کالا بکار برد و محصولی را وارد کند که عامل تولید نسبتاً کمیابش را در تولید آن محصول بکار گیرد. لئونتیف به کمک جدول داده - ستانده این نظریه را در کشور آمریکا به آزمون گذاشت و به این نتیجه رسید که کشور آمریکا که می‌بایست صادر کننده کالاهای سرمایه‌بر باشد صادر کننده کالاهای کاربر است. این نتیجه معمای لئونتیف شهرت یافت. لئونتیف علت این نتیجه گیری را سطح بالای آموزش نیروی کار و کارفرمایی برتر آمریکاییان می‌دانست. او اقتصاد آمریکا را نه با وفور سرمایه بلکه با وفور کار پرکیفیت (سرمایه انسانی) تعریف و مشخص نمود. البته بعدها اقتصاددانان گوناگونی از جمله پیتر کتن در صدد رفع این معما بر آمدند. علت این تناقض را بیشتر در مورد سرمایه انسانی یا نیروی کار متخصص در آمریکا می‌دانند. (seemorgh.com, 2013)

طی سالیان دراز، لئونتیف یک نویسنده پر محصولی نبود، ولی آرام آرام، با شکیبائی، و با استحکام به آن تبدیل شد. پیش از آنکه در سال ۱۹۳۶ مقاله ای بنویسد که واقعا نظریه داده-ستانده را ارائه دهد، برای سال ها در مورد نظریه تعادل عمومی "روابط کمیت داد-ستانده در نظام اقتصادی ایالات متحده،" پژوهش کرده بود، و چهار سال اول در دانشگاه هاروارد را به گرد آوری اطلاعات برای نخستین جداول داده-ستانده سپری کرده بود. پنج سال دیگر طول کشید تا اولین کتاب خود با عنوان "ساختار اقتصاد آمریکا، ۱۹۱۹-۱۹۲۹، را منتشر کند، که گسترش رساله ی اصلی و بسط و توضیح سیستم خود او بود. کار طولانی و خسته کننده ی محاسبه ی معادلات باید با ماشین حساب دستی انجام می گرفت: در عصر پیدایش کامپیوترهای الکترونیکی بود که مدل داده-ستانده بصورت ابزاری سودمند برای دولت و کسب و کار تبدیل شد. (ربیع، اقتصاددانان، ۱۳۹۳)

## کنیت ای. بولدینگ

زندگی بولدینگ را می توان به عنوان تلاشی دید که دو طرف هویت او را هماهنگ می سازد. در تحقیقش او سعی کرده است فراتر از اقتصاد به سمت یک علم اجتماعی کلی برود که سروکار با تمامیت انسان دارد. اما در ضمن، او بطور فزاینده ای بر کاربردهای علمی دین تاکید ورزیده است. نه فقط از نظر بولدینگ، دین برای علوم اجتماعی ضروری است. بلکه آن همچنین برای خود دانشمند علوم اجتماعی هم ضروری است. زیرا دین بخشی از تجربه کلی زندگی است، دانشمند علوم اجتماعی که در آن مشارکت یا سهیم نباشد از این عرصه عمیق و معنادار تجربه بشری محروم است و در این معنا ناقص می باشد. اجزای سیستم اجزای یک سیستم عبارتند از: درونداد: عناصری که وارد سیستم می شوند که سه نوع می تواند باشد. زنجیره ای، تصادفی و بازخورد. (رئوفی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۶)

### طبقه بندی بولدینگ

بولدینگ، سیستمها را به ۹ سطح تقسیم میکند بنحوی که قوانین سطوح پایین تر در سطوح بالاتر نیز صادق است. ولی سطوح بالاتر، هریک دارای خصوصیات خاصی است که آنرا از سطوح قبلی متمایز میکند.

۱. ساخت (structure): قوانین استاتیک، توجیه کننده رفتار این سطح است. مثال آن، صندلی است.
۲. سیستمهای متحرک یا بطور کلی حرکت (motion): قوانین دینامیک، توجیه کننده خصوصیات اصلی این سطح است. حرکات و تغییرات این سیستمها از پیش شناخته شده و معلوم است.
۳. سایبرنتیک (cybernetic): سیستمهایی هستند که توسط مکانیزم بازخور کنترل میشوند. ترموستات ساده ترین، و کامپیوتر جالب ترین پدیده این سطح است. فهم سایبرنتیک، قدم اول در بررسی رفتار سیستم های سطح بالاتر است.
۴. تک یاخته یا سلول (cell): پدیده حیات در این سطح ظاهر می شود.
۵. گیاهان: کار گروهی بین سلولها، تقسیم کار و اجتماع سلولی مربوط به این سطح است.
۶. حیوانات: در این سطح، گیرنده های اطلاعاتی برای تشخیص علامات بوجود می آید. حیوانات کوشا برای حفظ و بقای خویش هستند.
۷. انسان: شاید انسان تنها موجودی است که میداند که می میرد. گیرنده های اطلاعاتی در این سطح به تکامل خود میرسند و با درک بعد زمان و قدرت تشخیص و تحلیل علامات و اطلاعات و ربط آنها به یکدیگر، انسان تصویری از محیط برای خود میسازد و مداخله آن تصویر بین محرک و عکس العمل، شناخت و پیش بینی عکس العمل را مشکل میسازد. انسان قدرت اداره کردن اطلاعات نمادی را دارد. زبان انسانی ویژگیهایی دارد که در هیچ موجود دیگری وجود ندارد.
۸. نظام اجتماعی (social system): پیچیده ترین سطح سیستمهای باز است. واحد این سیستمها انسان نیست بلکه نقشی است که به وی واگذار شده است. مدیریت را مهندسی سطح هشتم سیستمها دانسته اند.
۹. سیستمهای ناشناخته



## فعالیت های اقتصادی بولدینگ:

ولدینگ که در سال ۱۹۳۱ به عنوان دانشجوی نخست در رشته اقتصاد از نیوکالج آکسفورد فارغ التحصیل شد، در همان سال اولین مقاله اقتصادی خود را نوشت که با تایید جان مینارد کینز در نشریه اقتصادی چاپ شد. مهمترین کار اقتصادی پروفیسور بولدینگ، کتاب درسی (دانشگاهی) او به نام تحلیل اقتصادی بود که در سال ۱۹۴۱ منتشر شد. این کتاب کمک بزرگی به توسعه و نظام مند کردن مفهوم تحلیل اقتصادی کرد. کتاب بعدی او اقتصاد صلح نام داشت که برای مقابله با مشکلات اقتصادی پس از جنگ نگاشته و در آن قضیه "وان حمام" را مطرح نموده و بیان کرده بود که نرخ انباشت، برابر با تفاوت بین میزان تولید و میزان مصرف است. (latzko & Kenneth, 2014)

## نقد و نتیجه گیری:

مدت‌های مدیدی است که نظم سرمایه دارانه به مهمترین اصل سازماندهی اقتصادی و اجتماعی در جهان و ایران بدل شده است. کار و طبیعت و پول در این نظم همگی بیش از پیش به کالا بدل شده‌اند چندان که امروزه کالایی شدن حیات اجتماعی به هر گوشه‌ی زندگی ما رخنه کرده است.

کالایی شدن حیات اجتماعی از فراگیر شدن نظم سرمایه‌داری پرده برمی‌دارد، از روابط اجتماعی این نظم، از تجلی قوانین حرکت آن در سطح تاریخی، و از تناقض‌هایش. اکنون، منطق سرمایه و به حداکثر رساندن سود به مهم‌ترین مبنای زیست اجتماعی ما بدل شده است. در چنین فضایی، شناخت زندگی اقتصادی و اجتماعی بیش از هر چیز مستلزم شناخت منطق کالایی حاکم بر مناسبات جامعه‌ی بازاری است. تسلیم در برابر چنین منطقی که انسان و طبیعت را به کالاهای قابل فروش در بازار بدل می‌سازد راه را بر توحشی مدرن گشوده است. چنین است که فراتر رفتن از چنین منطقی را بسیاری از مدعیان دیروز و امروز ناممکن انگاشته‌اند.

در مقابل، «نقد اقتصاد سیاسی» دال بر مقاومت در برابر این مناسبات است، مقاومتی که نمی‌خواهد در جشنواره‌ی دروغین مناسبات بازاری جاکش کند بلکه می‌خواهد به فراسوی آن برود مردمان از نقد، نه سنجش دیدگاه‌ها و جایگزینی نظریه‌ی اقتصادی و اجتماعی بدتر با نظریه‌های بهتر، بلکه زدودن خرافه‌هایی است که در قالب علوم اجتماعی و خصوصاً در جامعه‌ی «علم اقتصاد» ترویج شده است. در پی آنیم حجابی را پاره کنیم که واقعیت اجتماعی را می‌پوشاند. در این چارچوب، نشان می‌دهیم که تحت چه شرایطی و با چه سازوکارهایی قانون -مندی- های حرکت سرمایه -داری خود را به گونه‌ای تحمیل می‌کنند که گویی قوانینی طبیعی و نیروهایی بیرون از جامعه هستند. دلیل قدرتمندی سرمایه در تاریخ معاصر نیز تا حدودی به سبب این درک نادرست از سازوکارهای سرمایه و «طبیعی» جلوه -گر شدن آن است.

به گمان ما اگر برخاسته‌ایم به تغییر جهان باید به دانشی برای تفسیر جهان نیز مجهز باشیم، دانشی که به ما از مناسبات قدرت بگوید، روابط کالایی را تبیین کند، طبقات را ببیند و تضادها را، و از میان این همه چشم ما را بر تحلیل و تبیین و تغییر جهان بگشاید. این دانش همان «نقد اقتصاد سیاسی» در مفهوم کلاسیک کلمه است.

سخن آخر آن که امیدواریم؛ چرا که مصرانه بر این گمانیم که «هر آن‌چه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا خواهد رفت.

## منابع

- latzko, D., & Kenneth, E. (2014). *Boulding. Business and Economics Division*. New York: York Campus.
- seemorgh.com. (2013). Retrieved from <http://www.seemorgh.com/lifestyle/2160/48557.html>
- اخباری ر. م. (1385). *مدل لئونتیف و نظریه اقتصاد*. تهران: روند.
- ازکیا ر. م. (1388). *جامعه شناسی توسعه*: 1388. انتشارات کیهان.
- اسمیت آ. (1357). *ثروت و ملل*. س. ابراهیم زاده (Ed.). تهران: پیام.
- الیاسی ر. ن. (1388). *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*. تهران: انتشارات سمت.
- پژویان ر. ج. (1385). *مالیه عمومی و تعیین خط مشی دولتها*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- تفضلی ر. ف. (1372). *تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: نشر نی.
- ثلاثی ر. م. (1384). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*. تهران: انتشارات علمی.
- جاسبی ر. ع. (1364). *نظام های اقتصادی*. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- حقیقی ر. ا. (1386). *توسعه اقتصادی چیست*. تهران: مردم سالاری.
- دادگر ر. ی. (1383). *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*. قم: دانشگاه مفید.
- دورانت ر. و. ج. (n.d.). *تاریخ تمدن*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دینی ترکمانی ر. پ. (1391). *مروری بر نظریه های تجارت بین الملل*. *مجله اقتصادی*. 99-101.
- ربیع ر. ع. (1390). *فلسوفان دنیایی*. فروش.
- ربیع ر. ع. (1393). *اقتصاددانان*. تبریز: فروش.
- رئوفی ر. م. (1381). *مدیریت عمومی و آموزش*. مشهد: روان مهر.
- زریباف ر. م. (1383). *نقدی بر روش شناسی اقتصاد تحقیقی فریدمن*. *مجله نامه علوم سیاسی*. 10.
- سالکی ر. ح. (1344). *رابرت اوان مبشر نهضت تعاونی*. تهران: نشر امیرکبیر.
- سبحانی ر. ح. (1382). *تئوری و مسائل اقتصاد خرد*. تهران: نشر نی.
- شارل ر. ژ. (1370). *تاریخ عقاید اقتصادی*. ک. سنجابی (Ed.). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شارل ر. ژ. (1380). *تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: دانشگاه تهران مؤسسه انتشارات و چاپ.
- شارن ر. ژ. (1370). *تایخ عقاید اقتصادی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شهرآبادی رآ & ، بشیری رن . (1973) . واسیلی لئونتیف برنده نوبل اقتصاد . نشریه بورس . 46-49 ،

شهسا را ، (1387) . بزرگان اقتصاد . تهران : انتشارات علمی و فرهنگی .

صدیقی ر ب & ، طلوعی رو . (1388) . نظریه های کلاسیک جامعه شناسی . تهران : نشر نی .

طیب ر ع . (1390) . دانشنامه روابط بین المللی و سیاست جهان . تهران : نشر نی .

علیزاده ر ع . (1385) . جامعه شناسی معرفت . قم : پژوهشگاه حوزه .

فریدون ر ت . (1375) . تاریخ عقاید اقتصادی (ز افلاطون تا دوره معاصر) . (تهران : نشر نی .

قدیری اصل ر ب . (1364) . سیر اندیشه های اقتصادی . تهران : انتشارات دانشگاه تهران .

قره باغیان ر م . (1390) . اقتصاد رشد و توسعه . تهران : نشر نی .

قنادان ر م . (1391) . جوایز نوبل اقتصاد . تهران : موسسه انتشارات دانشگاه تهران .

موسوی جهرمی ری . (1391) . توسعه اقتصادی و برنامه ریزی . تهران : پیام نور .

نمازی ر ح . (1387) . نظامهای اقتصادی . تهران : شرکت سهامی انتشار .

نهادندی ره . (1352) . تاریخ مختصر عقاید اقتصادی . تهران : دانشگاه تهران .

هادوی تهرانی ر م . (1378) . مکتب و نظام اقتصادی اسلام . قم : موسسه فرهنگی خانه خرد .

هایلبرونر ، ر . (۱۳۹۰) . فیلسوفان دنیایی . (ع . ربیع ، مترجم) تهران : فروزش .

# **Theories of Political Economy**

**Shayan Erfanian Mohrsaz**

**Winter 2015**